

بررسی رابطه سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر با کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران

محمد بلوچی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

عزت اله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۶

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر با کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران است. بی‌شک بخش قابل توجهی از معضلات امنیتی ایران متأثر از مواد مخدر است. موضوع مواد مخدر هم متأثر از جایگاه ژئوپلیتیک ایران است و هم توانسته است جایگاه ژئوپلیتیک ایران را از جهت امنیتی با مشکل مواجهه کند. سؤال اصلی این مقاله این است که با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک ایران سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر چه تأثیری بر کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران دارند؟ سیاست‌گذاری امنیتی یا طراحی ساز و کار امنیتی به معنای ایجاد یک فضا برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب از منظر سیاست‌گذار است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر در ایران بایستی کلان‌نگر و بلندمدت باشد و کم‌تر مقید به زمان و بودجه و هزینه باشد. با توجه به این مقدمه در این مقاله تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین رابطه سیاست‌گذارهای مواد مخدر با کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، امنیت، ایران، ژئوپلیتیک، کارآمدی، سیاست‌گذاری.

مقدمه

امنیت یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری از جوامع اولیه چون قبایل کوچک گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت‌شهرهای یونان بوده است و به همین قسم امروز نیز تلاش برای رسیدن به وضعیت امن و یا Secure Situation اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده و راه‌های تأمین آن از جایگاهی خاصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت ملی برخوردار است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۷).

امنیت را بسته به زمینه کاربرد می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

- امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند.

- امنیت خانواده: هنگامی که خانواده و اعضای آن برای ایجاد رفاه و آسایش و امنیتشان از هرگونه مشکل و خطر بیندیشند و به حل هر چه سریع‌تر آن پردازند.

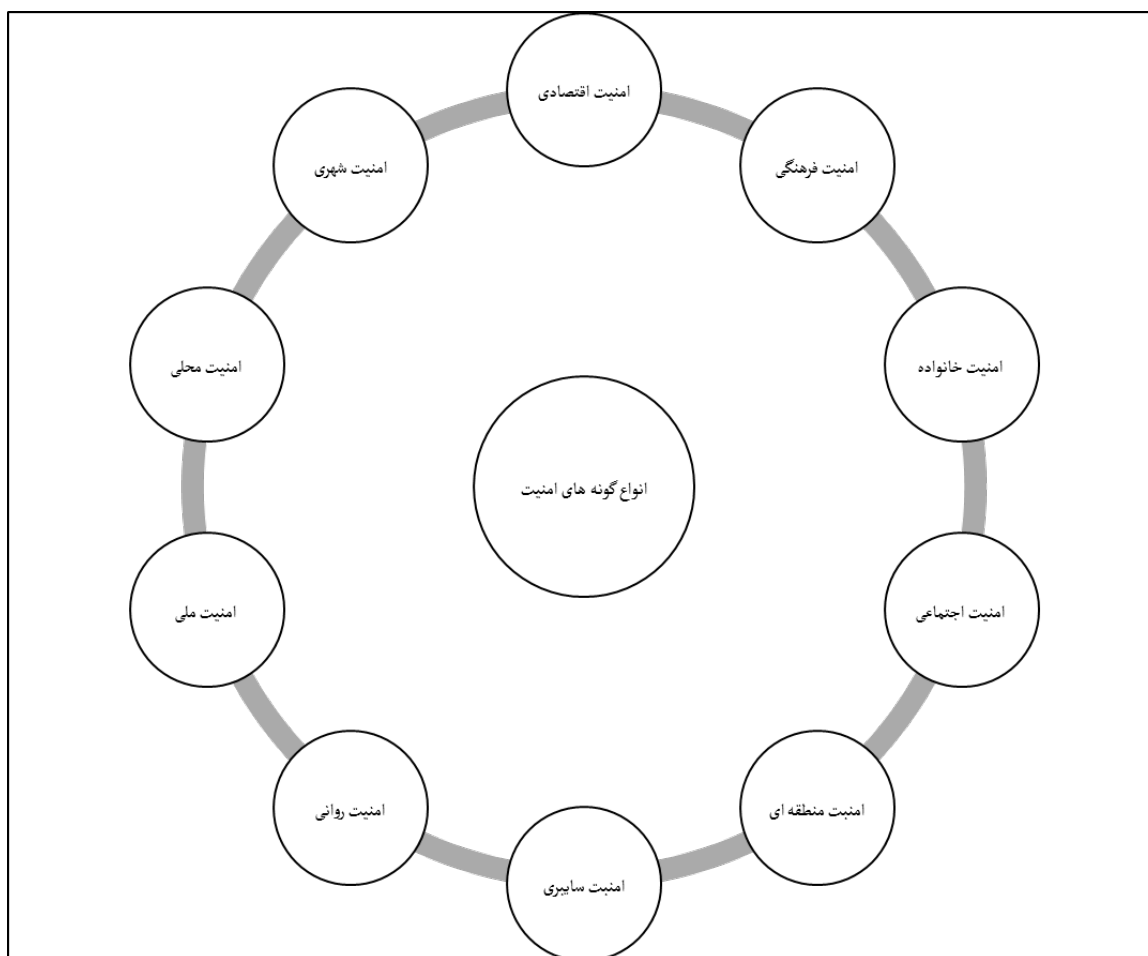
- امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون، با تعریف و حدگذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا فراتر گذشته‌اند امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کند.

- امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد. امروزه، کمابیش در همه کشورها نوعی پلیس سیاسی یا امنیتی وجود دارد که مقصود از آن بنا بر فرض، جلوگیری از نفوذ عوامل محرک و ویرانگر و جاسوس به داخل کشور و سرکوبی کسانی که از راه‌های غیرقانونی تهدیدکننده‌ی نظم سیاسی موجود به شمار می‌آیند. هرچه نظامی تمامیت‌خواه‌تر باشد قدرت پلیس سیاسی و شدت و خشونت آن در آن نظام بیشتر است. این گونه نظام‌های سیاسی که مجالی برای مخالفت علنی و قانونی نمی‌گذارند، مخالفان یا دشمنان خود را همواره به نام «دشمنان امنیت ملی» یا نام‌های دیگر سرکوب می‌کنند (همان، ۱۳۸۸: ۵۷).

- امنیت بین‌المللی: حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست‌یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرت‌ها از محدوده خود پا فراتر گذارد، از لحاظ قدرت (و یا قدرت‌های) مخالف، امنیت بین‌المللی در خطر افتاده است.

- امنیت سایبری: با ظهور فضای (دنیای) سایبری، کاربران یا همان شهروندان سایبری نیاز به احساس امنیت در فضای سایبری برای انجام امور خود دارند که این امنیت ابتدا با افزایش سطح آگاهی و دانش خود کاربران و سپس با کمک شرکت‌های امنیتی و مراجع قانونی و پلیس‌های سایبری فراهم می‌شود (پرچم و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴).

- امنیت منطقه‌ای هنگامی که یک کشور اطراف کشور دیگری را مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهد در این صورت امنیت منطقه‌ای آن کشور به هم خورده است.



نمودار شماره ۱- انواع گونه‌های امنیت
منبع: (پرچم و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴).

امروزه مفهوم امنیت تنها مسائل نظامی را در بر نمی‌گیرد، بلکه تمام عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سرزمین، تمدن و جان انسان‌ها را در بر می‌نوردد و در تمام ابعاد زندگی انسان مصداق و معنی پیدا می‌کند؛ و از همین سبب است که به تعریف جدید امنیت یعنی امنیت فراگیر تأکید می‌گردد. بنا تحولات به وجود آمده نه تنها سبب تغییر در مفهوم امنیت و ابعاد آن گردیده بلکه راه‌ها و استراتژی‌ها که در جهت دستیابی به امنیت توسط واحدهای سیاسی وضع می‌گردد را نیز در بر می‌گیرد. حفظ ابهام از طرف دست‌اندرکاران سیاست‌گذاران دولت‌ها در مفهوم واقعی امنیت تا بتوانند در چنین فضای ابهام‌آمیز هرگونه اقدامات نظامی، امنیتی و سیاسی خود را در راستای تأمین امنیت توجیه کنند و یا در بعضی مواقع با بزرگ جلوه دادن تهدیدات در صدد بهره‌برداری‌های سیاسی خود برآیند؛ بنابراین عوامل مذکور سبب آن گردیده است که تا یک تعریف کلی از امنیت ارائه نگردد و این عدم درک کلی و یا عدم ارائه تعریف واحد از امنیت تنها در محدوده دیدگاه‌های صاحب نظران مسائل امنیتی محصور نمانده بلکه سیاست‌گذاران امنیتی واحدهای سیاسی نیز از این امر متأثر می‌باشند. سیاست‌گذاران مذکور سیاست‌های امنیتی را نه بر مبنای یک درک کلی از امنیت بلکه به اساس منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژی و جغرافیای خود وضع می‌کنند (همان، ۱۳۹۴: ۲۴).

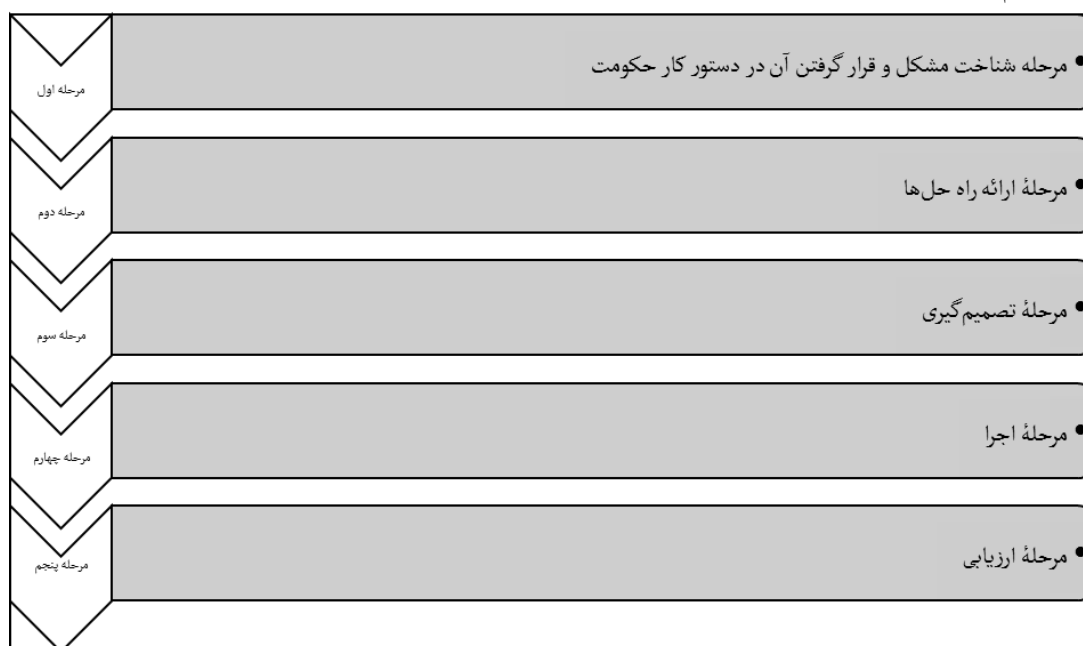
با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می‌شوند. برای مثال امروزه پدیده‌هایی چون تخریب محیط زیست از مهم‌ترین عوامل بر هم زنده امنیت بشر تلقی می‌شود در حالی که تا صد سال پیش چنین چیزی اصلاً متصور نبود. از آغاز دوره نظام وستفالیایی تا دهه‌های اخیر امنیت بین‌المللی عمدتاً در قالب امنیت نظامی تعریف می‌گردید، در حالی که امروزه محوریت امنیت نظامی زیر سؤال رفته است و امنیت بین‌المللی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌گردد. باری بوزان از محققان برجسته مطالعات امنیتی، امنیت اجتماعات بشری را که غالباً در شکل امنیت بین‌المللی تعریف می‌گردد، به پنج مقوله تقسیم نموده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. به طور خلاصه امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌هایی تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است؛ امنیت سیاسی بر ثبات سازماندهی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های ناظر است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد؛ امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت؛ امنیت اجتماعی، به قابلیت لازم برای حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی مربوط است؛ و امنیت زیست محیطی نیز بر حفظ محیط زیست بشری به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است، ناظر می‌باشد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

اما از نظر امنیتی، مواد مخدر و اعتیاد یکی از مؤلفه‌های اصلی ناامنی در کشور ماست و بسیاری از بزهکاری‌ها ریشه در اعتیاد دارند. همه ساله تعداد قابل توجهی از نیروهای انتظامی در جریان مبارزه با مواد مخدر کشته می‌شوند. دلیل اصلی پنجاه درصد آسیب‌های اجتماعی، مواد مخدر می‌باشد و در حال حاضر هم حدود چهل درصد سرقت‌ها، شصت و پنج درصد طلاق‌های، سی درصد کودک آزاری‌ها، شصت و پنج درصد بزهکاری کودکان به خاطر اعتیاد می‌باشد. مصرف، فروش و قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها همواره یکی از محورهای اصلی امنیت اجتماعی بوده و طیف وسیعی از فعالیت‌های حقوقی، سیاسی، بهداشتی، آموزشی، رویه‌های عرفی و نیز ارزش‌های اخلاقی را به خود اختصاص داده است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). سؤال اصلی این مقاله این است که با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک ایران سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر چه تأثیری بر کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران دارند؟ با توجه به این مقدمه در این مقاله تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین رابطه سیاست‌گذارهای مواد مخدر با کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

رویکرد نظری تحقیق

دولتی قدرت دارد که در محدوده مرزهای خود دارای انسجام باشد. این گزاره، دولت را به ایفای نقش فعال در سیاست‌گذاری امنیتی کشور ترغیب می‌کند. جهت تحقق این مهم دولت‌ها به قانون‌گذاری مناسب در این حوزه نیاز دارند تا بتوانند فعالیت‌های بخش‌های مختلف خود را هماهنگ سازند. این مسئله، دولت را به سیاست‌گذاری امنیتی منسجم و دقیق ترغیب می‌کند. رویکردهای مختلفی نسبت به امر سیاست‌گذاری امنیتی وجود دارد که از جمله می‌توان به ۱- رهیافت هدف محور (مدل استراتژیک) ۲- رهیافت معضل محور (مدل مرحله‌ای) اشاره کرد که در ادامه به تشریح رویکرد دوم پرداخته می‌شود.

رهیافت معضل محور (مدل مرحله‌ای) با قرار دادن اعمال تصمیم‌گیران و مسئولان حکومتی در مرکز توجهات خود، نگاه متفاوتی به مسائل عمومی از جمله معضلات امنیتی دارد. کاربرد مدل مزبور که برای نخستین بار چارلز جونز، استاد آمریکایی علوم سیاسی، آن را ارائه کرد، بعدها از سوی دیگر کارشناسان سیاست‌گذاری عمومی توسعه پیدا کرد. در مدل جونز، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران در بخش‌های اصلی حکومت، به پنج مرحله به هم وابسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:



نمودار شماره ۱- مراحل سیاست‌گذاری دولتی

منبع: (مظلوم، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

دو تن از کارشناسان برجسته سیاست‌گذاری عمومی، ایومفی و جان کلودتوینگ، بر اساس کتاب جونز، مدل او را به صورت زیر ترسیم کرده‌اند (مظلوم، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

(الف) - نقطه عزیمت این مدل برای سیاست‌گذاری امنیتی، تشخیص معضل امنیتی و چگونگی راه‌یابی آن به دستگاه سیاست‌گذاری کشور است. در حقیقت، مراحل بعدی این ره‌یافت به نوعی در ره‌یافت قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفته است و آنچه به طور ریشه‌ای این ره‌یافت را از مدل استراتژیک متمایز می‌کند، تأکید بر مسائل و معضلات به جای تأکید بر ارزش‌ها و اهداف است؛ بنابراین، باید به جوانب گوناگون معضلات و مشکلات پرداخته شود.

(ب) - مسائل، معضلات، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای امنیتی، همگی در طیفی قرار می‌گیرند که باید از سوی سیاست‌گذاران امنیتی مورد توجه قرار گیرند: هر اندازه از یک طرف طیف (مسائل امنیتی) به سمت دیگر طیف (تهدیدهای امنیتی) حرکت می‌کنیم، اتخاذ سیاست‌های امنیتی، از نظر اهمیت، از فوریت بیشتری برخوردار می‌شوند. به عبارتی، اگر سیاست‌گذاران امنیتی در حل مسائل و معضلات امنیتی، وقت بیشتری داشته باشند، نه تنها در مواجهه با تهدیدهای امنیتی فرصت کمتری دارند، بلکه باید برای حل آن‌ها، جدیت بیشتری را نیز از خود نشان دهند. البته، ابزارها و شیوه‌های به‌کارگیری در حل آن‌ها نیز متفاوت است، به گونه‌ای که هر اندازه به پایان طیف (تهدیدهای

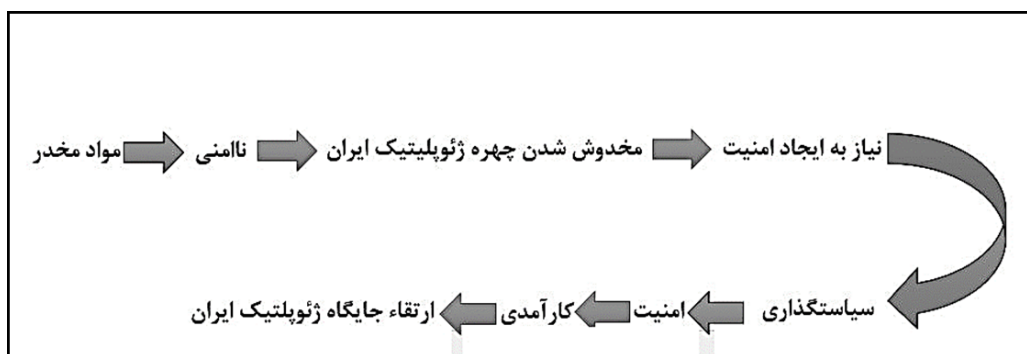
امنیتی) نزدیک می‌شویم، استفاده از راه‌حل‌ها و ابزارهای نظامی نیز بیشتر می‌شود. افزون بر آن، جنبه پیشگیرانه سیاست‌ها در آغاز طیف نسبت به جنبه درمان در پایان طیف نمایان‌تر است (همان، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

ج- مسئله مهم دیگر در تشخیص نقطه آغاز این نوع سیاست‌گذاری امنیتی، عرصه شناختی است که سیاست‌گذاران امنیتی با آن سر و کار دارند؛ زیرا از خلال این عرصه است که آنان، محیط پیرامون خویش را که متغیر، پیچیده و غیر قابل پیش‌بینی است، درک می‌کنند و بر اساس آن تصمیم می‌گیرند. افزون بر این، از آنجا که عرصه شناخت و جنبه‌های معرفتی سیاست‌گذاری امنیتی بسیار پرمزوراز است، سیاست‌گذاران امنیتی باید به ساده‌سازی و کاربردی کردن مفاهیم در این عرصه بپردازند، هرچند ممکن است این اقدام خطرهایی را نیز به دنبال داشته باشد. تعمیم تفسیرها و برداشت‌های مشخصی به آنچه منبع تهدید تصور می‌شود، از جمله خطرهایی است که سیاست‌گذاری امنیتی را با مشکل روبه‌رو می‌کند و ممکن است به اتخاذ سیاست‌های امنیتی ناکارآمد منجر شود؛ بنابراین، سیاست‌گذاران امنیتی باید در این زمینه دقت و وسواس بیشتری به خرج دهند. برآورد صحیح اطلاعات استراتژیک از مسائل و تهدیدهای امنیتی از جمله ابزارهای مهمی است که سیاست‌گذاران امنیتی برای بهبود شناخت خود از آن بهره می‌گیرند. استفاده از این ابزار زمانی امکان‌پذیر است که آن‌ها با قرار دادن صافی‌هایی برخی از اطلاعات را جذب و برخی دیگر را طرد کنند، به نحوی که احتمال خطا و اشتباه در پایین‌ترین حد خود قرار گیرد (تلاشان، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

د- هرچند دولت‌های مدرن مورد اشاره بوزان، به دلیل آن که، اختیار و کنترل دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای مسلح را در دست دارند، عالی‌ترین مرجع تشخیص و تعیین تهدیدها و سیاست‌های امنیتی هستند، اما نباید فراموش کرد که به دلیل تحول در مرجع امنیت، دست کم، در تشخیص و تعیین مسائل و معضلات امنیتی و راه‌یابی آن‌ها به دستگاه سیاست‌گذاری امنیتی کشورها، مردم و گروه‌های اجتماعی نیز بسیار تعیین‌کننده هستند. به همین دلیل امروزه سیاست‌گذاران امنیتی ناچارند تا آن دسته از موضوعات و معضلات امنیتی را که توجه افکار عمومی را به خود جلب کرده‌اند، در دستور کار سیاست‌گذاری خویش قرار دهند. البته، با توجه به ساختار متفاوت اجتماعی کشورها، میزان تأثیرگذاری امنیتی افکار عمومی در داخل و خارج، نسبت به سیاست‌گذاری امنیتی آن‌ها متفاوت است.

ه- چگونگی فرآیند ارائه راه‌حل‌ها و انتخاب بهترین، کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین آن‌ها، به چگونگی ساختار اجتماعی جامعه، تمرکز یا عدم تمرکز قدرت در نظام سیاسی و شکاف یا عدم شکاف بین دولت و ملت بستگی دارد. برای نمونه، در نظام‌های پلورالیستی و غیر متمرکز، امکان مشارکت مردم و گروه‌های اجتماعی در ارائه راه حل و انتخاب بهترین آن‌ها بیشتر است (همان، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

و- انفعالی عمل کردن، کوتاه‌نگری و برخورداری از فرصت کوتاه برای اتخاذ سیاست، از معایب و واقع‌نگری و ثمره و نتایج سیاست را مشاهده کردن از محاسن سیاست‌گذاری امنیتی بر اساس این رهیافت است.



نمودار شماره ۱- مدل پژوهش

منبع: نگارندگان

سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر در ایران

مجامع بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد را در کنار سه بحران دیگر (هسته‌ای، جمعیتی و زیست‌محیطی) قرار داده که بشریت را در قرن حاضر تهدید می‌کند. سرمایه در گردش این فعالیت در جهان از نظر تجاری نیز، آن را در رتبه بعد از نفت، توریسم و سلاح قرار داده است. بر اساس آخرین آمار منتشره (از سوی سازمان ملل متحد) وجود حداقل ۲۰۰ میلیون نفر معتاد در جهان، بازار مناسبی را برای قاچاقچیان و باندهای مافیایی فراهم کرده است. آن‌ها مواد مورد نیاز معتادان را از مناطق تولید به ارزان‌ترین قیمت ممکن تهیه کرده و با ترفندهای مختلف و افزایش حجم ناخالصی‌ها با گران‌ترین قیمت به دست مصرف‌کنندگان می‌رسانند. بر اساس اسناد و مدارک موجود، نقش تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان در تأمین نیازهای مادی گروه‌های مافیایی و حتی برخی از جریانات افراطی نامحسوس در صحنه داخلی و خارجی افغانستان روشن و قابل تأمل است. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان در دوران حاکمیت دولت موقت در افغانستان کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در آن کشور شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت. حجم انبوه تولید و برداشت تقریبی ۸ هزار تن تریاک در سال ۱۳۸۶ در افغانستان موجب بروز معضلات عدیده امنیتی و اجتماعی شده است. (پیوند قاچاق مواد مخدر با درگیری‌های مسلحانه، گروگان‌گیری، قتل و ارباب و تهدید و نیز خرید و فروش غیرقانونی اسلحه و...) (خوش‌طینت، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

پروژه‌هایی همچون توسعه جایگزین یا کشت محصولات مجاز نیز به دلیل عدم حمایت سایر کشورها و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی افغانستان (به دلیل دو دهه بی‌ثباتی و جنگ و خونریزی) قابلیت اجرا نداشته و لذا امید چندانی به قطع تولید مواد طی یک دهه آتی وجود ندارد. از یاد نبریم که ایران کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیت مواد مخدر شناخته‌شده و چشم طمع مافیای جهانی کماکان به این مسیر دوخته شده است. مبارزه بی‌امان نظام جمهوری اسلامی با قاچاقچیان و عدم استفاده از خاک ایران برای عبور و ترانزیت مواد مخدر، منجر به سرازیر شدن آن در داخل کشور و دسترسی آسان معتادان به این قبیل مواد شده است. بروز بیکاری‌های ناشی از سوء‌مصرف مواد مخدر و ورود سرمایه‌های نامشروع در سیستم اقتصادی، هزینه‌های ناشی از جلوگیری از قاچاق، هزینه‌های از کارافتادگی و غیره همگی لطماتی است که هر یک به تنهایی از لحاظ اقتصادی خود یک بحران است. قاچاق مواد از نظر سیاسی، هویت ملی، دینی و بنیان‌های امنیت ملی کشور را تهدید می‌کند. شاخص‌های مختلف در سوء‌مصرف و قاچاق مواد مخدر مشکلاتی را برای کشور ترسیم می‌کند. قاچاق مواد مخدر و اعتیاد دیگر یک آسیب اجتماعی

نیست، بلکه یک بحران اجتماعی است. چرا که تلقی ۹۰ درصد مردم (طبق نظرسنجی از مردم شهر تهران) آن است که این پدیده حیات و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. هم اکنون قرائن و شواهد متعددی از انگیزه‌های مختلف اقتصادی (مافیای قدرتمند جهانی)، سیاسی و امنیتی (که پشتوانه‌های مردمی انقلاب اسلامی و نیروهای جوان کشور را هدف قرار داده‌اند) به چشم می‌خورد که «تغییر نوع ماده مصرفی» را پیگیری می‌کنند. شرایط اقتصادی (بیکاری یکی از شاخص‌های مهم آن است)، جوانی جمعیت، ضعف نهادها و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی، فقدان ارائه یک مدل اجتماعی اوقات فراغت، فقدان اثرگذاری رسانه‌های کشور در موضوعات اجتماعی و شاید ده‌ها عامل دیگر روند رو به رشد آسیب‌ها به ویژه آسیب‌های اجتماعی را در کشور ما تسهیل کرده‌اند. متأسفانه نسل جوان که منشاء نشاط، پویایی، سرزندگی، ابداع و نوآوری، سرشار از انرژی و آرمان‌خواهی است در معرض بیشترین آسیب‌ها قرار دارند. اگر مروری اجمالی بر روند آمار و شاخص‌های اصلی پدیده قاچاق مواد مخدر در دو دهه گذشته داشته باشیم؛ در می‌یابیم که نرخ رشد نگران‌کننده است. برخلاف باورهای موجود، حتی در صورت تشدید قوانین و مجازات‌ها، معضل اعتیاد حل نشده و نیازمند نگرش سیستمی و رویکرد جدید است چرا که مطالعات نشان می‌دهد، در شکل‌گیری اعتیاد و قاچاق مواد مخدر علل گوناگونی نقش دارند (همچون فقر، بیکاری، یاس و ناامیدی، اختلالات روانی و شخصیتی، تبعیض، ماجراجویی و کنجکاوی، باورهای غلط، فقدان نشاط و شادابی و...). نباید انتظار داشت که با تشدید مجازات‌ها، بتوان مسئله را حل کرد. لذا ضرورت دارد با تفکیک معتاد از قاچاقچی در تدوین قوانین و تنظیم برنامه‌ها با رویکرد جدید (بیمار‌پنداری معتاد) گام برداشت. با توجه به ارزش افزوده مواد مخدر از نظر اقتصادی در مقایسه با سایر موارد، میل به قاچاق وجود داشته و افرادی که خواسته یا ناخواسته وارد این گردونه می‌شوند و تجربه پول بادآورده را کسب می‌کنند به راحتی دست از این کار نخواهند کشید. حتی در قبال از دست دادن جان خود (چه در درگیری‌های مسلحانه، چه به واسطه اعمال مجازات‌های سخت همچون اعدام و چه حتی به واسطه مسمومیت ناشی از حمل و جاسازی مواد در بدن که منجر به فوت می‌شود) باز هم حاضر به ادامه کار هستند. قاچاق مواد مخدر در سطح بین‌الملل جدا از منافع کلان مادی، آثار و منافع سیاسی نیز برای دولت‌ها و قدرت‌ها به همراه داشته است. با بررسی جنبه‌های اقتصادی قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، دخالت قدرت‌ها، سازمان‌های مافیایی و گردش مالی تجارت مواد مخدر که «از گردش مالی نفت در روابط بین‌المللی بیشتر است، نمی‌توان پذیرفت که سیاستمداران فاسد جهانی در مورد آن دخالتی نداشته باشند». به رغم مشخص بودن مراکز تولید مواد مخدر، متأسفانه مجامع و مراکز ذی‌ربط هیچ‌گونه اقدام عملی تاکنون برای مبارزه ریشه‌ای با منشاء تولید مواد مخدر نکرده‌اند. تجارت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، نمی‌تواند از مسائل سیاسی به دور باشد و مسئله قاچاق مواد مخدر در دهه‌های گذشته با سیاست آمیخته بوده است. جنبه‌های اقتصادی این تجارت مرگبار عامل پیوند قاچاق مواد مخدر با سیاست و سیاستمداران و دولتمردان در کشورهاست (همان، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

نگاهی به رویکردهای مختلف مبارزه با مواد مخدر حاکی از آن است که هر چه از دوردست به زمان فعلی نزدیک می‌شویم روند توجه به مصرف مواد مخدر به جای خود مواد مخدر شدت بیشتری می‌یابد. رویکردها و قوانین پیش از انقلاب البته عمدتاً معطوف به مواد مخدر بود و کمتر به موضوع مصرف‌کننده توجه می‌شد. البته این نگاه در دوره‌ای تغییر کرد و موضوع مصرف‌کننده نیز وارد توجه رژیم شاه شد؛ اما آنچه که درباره رویکردهای رژیم پهلوی

می‌توان گفت آن است که نگاه برخی از مهره‌های اصلی رژیم به مواد مخدر یک نگاه تجاری بود و به همین خاطر باندهای بزرگ ترانزیت مواد مخدر و نیز باندهای توزیع کننده داخلی عمدتاً با وابستگان خاندان پهلوی زلفی گره زده بودند و آن‌ها دستی در این بازار پرسود داشتند. می‌توان رویکردهای پس از انقلاب را در چهار دوره دسته بندی کرد. دوره اول شامل سال‌های پس از انقلاب تا دوره سازندگی می‌شود. دوره دوم دوره سازندگی است. دوره سوم دوره اصلاحات و دوره چهارم زمانه کنونی است. برای مقدمه لازم است چگونگی شکل‌گیری مسئله مواد مخدر در ایران پس از انقلاب را مرور کنیم. در سال ۱۳۵۹ لایحه قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی برای مداوا و اشتغال به کار معتادان تصویب شد و بدین ترتیب کلیه قوانین مربوط به مواد مخدر به استثنای مصوبه ۱۳۴۸ (تشدید مجازات قاچاقچیان و سختگیری نسبت به معتادان) فسخ شدند. قوانین جدید، مجازات‌های شدیدتری برای مجرمان مواد مخدر در نظر می‌گرفتند و رسیدگی به این جرائم به دادگاه‌های انقلاب و دادگستری محول شد. در این قانون به معتادان ۶ ماه مهلت داده شد تا اعتیاد خود را ترک کنند و مجازات‌هایی نیز برای قاچاقچیان در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۷، قانون مبارزه با مواد مخدر جایگزین مصوبه سال ۱۳۵۹ شد. در این قانون مجدداً دیدگاه‌های سخت‌گیرانه‌تری برای مقابله با مواد مخدر بر قوانین حاکم شد. در سال ۱۳۷۷ قانون اصلاحی به مرحله اجرا گذاشته شد. در این قانون به نقش و جایگاه ستاد مبارزه با مواد مخدر توجه شد. پس از آن نیز قوانین دیگری تدوین شد که شاید مهم‌ترین آن‌ها قانون «سیاست‌های کلی نظام» در حوزه مواد مخدر بود که در سال ۱۳۸۴ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شد. گفته می‌شود پس از پایان جنگ رهبر فقید انقلاب تأکید کرده بودند پس از ختم جنگ مسئله اول کشور عبارت از مبارزه با قاچاق و اعتیاد مواد مخدر است. در واقع به همین دلیل بود که این موضوع در سال ۱۳۶۷ در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی شد و قانون این «معضل» را مجمع، تدوین و تصویب کرد. پس از آن بود که ستاد مبارزه با مواد مخدر متشکل از چندین وزارتخانه و سازمان دولتی شکل گرفت و مأموریت یافت معضل مواد مخدر را هرچه سریع‌تر و به طور ضرب الاجلی حل کند. ایران پس از انقلاب اسلامی تمام مزارع کشت خشخاش را نابود و با کاشت پراکنده آن نیز برخورد جدی کرد. بدین ترتیب بخش عمده‌ای از مواد مخدر کشور از طریق مرزهای شرقی کشور و از افغانستان و پاکستان وارد کشور می‌شود.

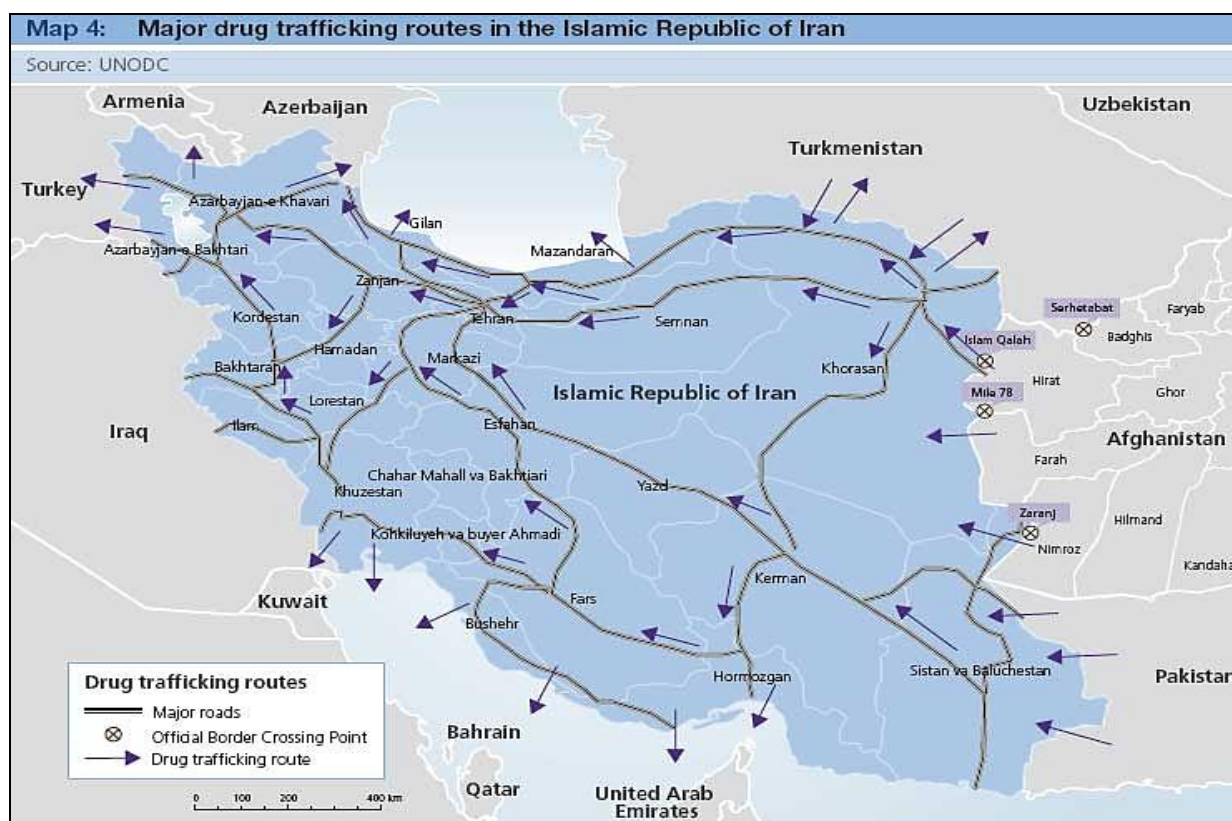
اگر به تولید مواد مخدر توجه کنیم، در سال ۱۳۵۹ تولید افغانستان حدود ۲۷۰ تن بوده است اما در سال جاری این رقم به ۸۵۰۰ تن رسیده است یعنی بیش از ۳۱ برابر. بنابر آمارهای رسمی از سال ۱۹۸۶ تاکنون افغانستان بیش از ۶۲۵۰۰ تن تریاک تولید کرده است. مطابق آمارهای رسمی از سال ۱۳۵۸ تاکنون ۳۵۸۹ تن مواد مخدر کشف شده است، ۱۹۷۳۹ باند مواد مخدر متلاشی شده، ۱۶۹۶۷ عملیات مسلحانه علیه تجارت مواد مخدر صورت گرفته، ۲۱۶۹۸ قبضه سلاح از قاچاقچیان ضبط شده، ۵۴۱۶۶ خودرو و ۱۹۴۹۵ دستگاه موتور سیکلت توقیف شده، ۵۷۷۰ نفر از اشرار کشته شده، ۳۵۵۷ نفر از نیروهای امنیتی به شهادت رسیده‌اند و حدود ۴/۵ میلیون نفر در ارتباط با جرائم مرتبط با تولید، قاچاق، توزیع و مصرف مواد مخدر دستگیر و روانه زندان شده‌اند. مطالعه یک نمونه از آمارهای سال جاری نشان می‌دهد که موضوع در حوزه مواد مخدر چقدر پیچیده است. کل تولید هروئین افغانستان در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۰۰ تن بوده است که در سال جاری به ۶۶۰ تن رسیده است. در ده ماه اول سال ۱۳۸۶

مجموع کشفیات هروئین توسط نیروی انتظامی بیش از ۱۳ تن بوده است که نسبت به سال گذشته ۴۹ درصد افزایش داشته است؛ اما نکته جالب توجه در نوع هروئین کشف شده نسبت به سال گذشته است. در حالی که ۶۰ درصد از هروئین کشف شده سال گذشته از نوع خاکستری (یعنی نوع سبک‌تر) و ۴۰ درصد از نوع هروئین خاکستری و کراک (یعنی نوع سنگین‌تر) بوده است این نسبت در سال جاری به طور چشمگیری تغییر کرده و به نسبت ۳۱ به ۶۹ تغییر کرده است. یعنی هروئین سنگین‌تر و مخرب‌تر به طور چشمگیری افزایش پیدا کرده است. همچنین در همین مدت بیش از ۳۴ کیلو مواد شیمیایی از نوع شیشه کشف شده است که نسبت به سال گذشته ۹۰ درصد افزایش داشته است. این دو آمار جزئی به خوبی نشان می‌دهد که نوعی تغییر الگوی مصرف در میان افراد مصرف کننده مواد مخدر در حال شکل‌گیری است که نه به طور تدریجی بلکه سریعی مصرف مواد مخدر جدید و اغلب شیمیایی در حال جایگزین شدن مواد مخدر سنتی و گیاهی است. این زنگ خطری جدی برای جامعه ایران به شمار می‌رود که بخش عمده‌ای از جمعیت آن را گروه‌های سنی جوان تشکیل می‌دهند (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۴۸).

مواد مخدر و جایگاه ژئوپلیتیک ایران

بسیاری از ژئوپولیتیسین‌ها بر این نکته تأکید دارند که شرایط جغرافیایی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در میزان قدرت ملی و در نتیجه استراتژی یک کشور دارد. وسعت، وضعیت طبیعی، همسایگان، شرایط اقلیمی و نوع منافع هر کشور نه تنها با توان ملی آن ارتباط دارد، بلکه با نوع بودجه بندی، تعیین اولویت‌ها، استراتژی دفاعی و سیاست نظامی آن پیوند تنگاتنگی دارد. جمهوری اسلامی ایران جزء معدود کشورهایی است که با داشتن پانزده همسایه آبی - خاکی در چهار زیرسیستم منطقه‌ای شامل آسیای مرکزی - قفقاز، خلیج فارس، شرق مدیترانه و آسیای جنوب غربی قرار گرفته است. هیچ‌کس نمی‌تواند موقعیت راهبردی ایران در منطقه خلیج فارس، دریای خزر و تلاقی که از مناطق مهم خاورمیانه، شبه قاره هند، آسیای میانه و قفقاز به وجود آمده و کریدورهای شرقی - غربی و شمال و جنوب را به هم پیوند زده است را نادیده بگیرد (محمدی و غنجی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

ایران با این موقعیت حساس و راهبردی، شاه کلید ژئو استراتژیک و ژئو اکونومیک منطقه است. اگرچه عنصر ژئوپولیتیکی ایران تا حد بسیار زیادی ثابت باقی مانده است، اما به دلیل تغییر نظام دوقطبی و دگرگونی در شاخص‌های محیطی مانند دولت‌های نوظهور در آسیای میانه و قفقاز، استقرار بیش از ۴۰ پایگاه ثابت و متحرک نظامی آمریکا و متحدین در اطراف ایران، قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی در کشورهای پیرامونی، ناامنی دریاها شامل دزدی دریایی و به خطر افتادن ناوگان نفتی ایران؛ استراتژی دفاعی ایران کاملاً دگرگون گردیده است. در این حال، اهمیت و نقش خلیج فارس با توجه به جایگاه ارتباطی آن با آب‌های اقیانوس هند و دریای عمان و نیاز ارتباطی ایران به آن محدوده جغرافیایی (به لحاظ صادرات نفت و همچنین تأمین نیازهای وارداتی) در سیاست دفاعی ایران تقویت شده است. این امر ضریب اهمیت منطقه‌ای ایران را برای بازیگران خارجی افزایش داده و در نتیجه ضریب رقابت‌های منطقه‌ای قدرت‌های مداخله‌گر باز هم افزایش یافته است. البته موقعیت ایران به لحاظ اینکه در کنار تنگه ژئو استراتژیک هرمز قرار گرفته و می‌تواند تردهای ناوگان‌های تجاری و نظامی این معبر به آبراه‌های بین‌المللی را در کنترل داشته باشد، با اهمیت تلقی می‌شود (محمدی و غنجی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).



نقشه شماره ۱- موقعیت ایران نسبت به کانون های تولید مواد مخدر

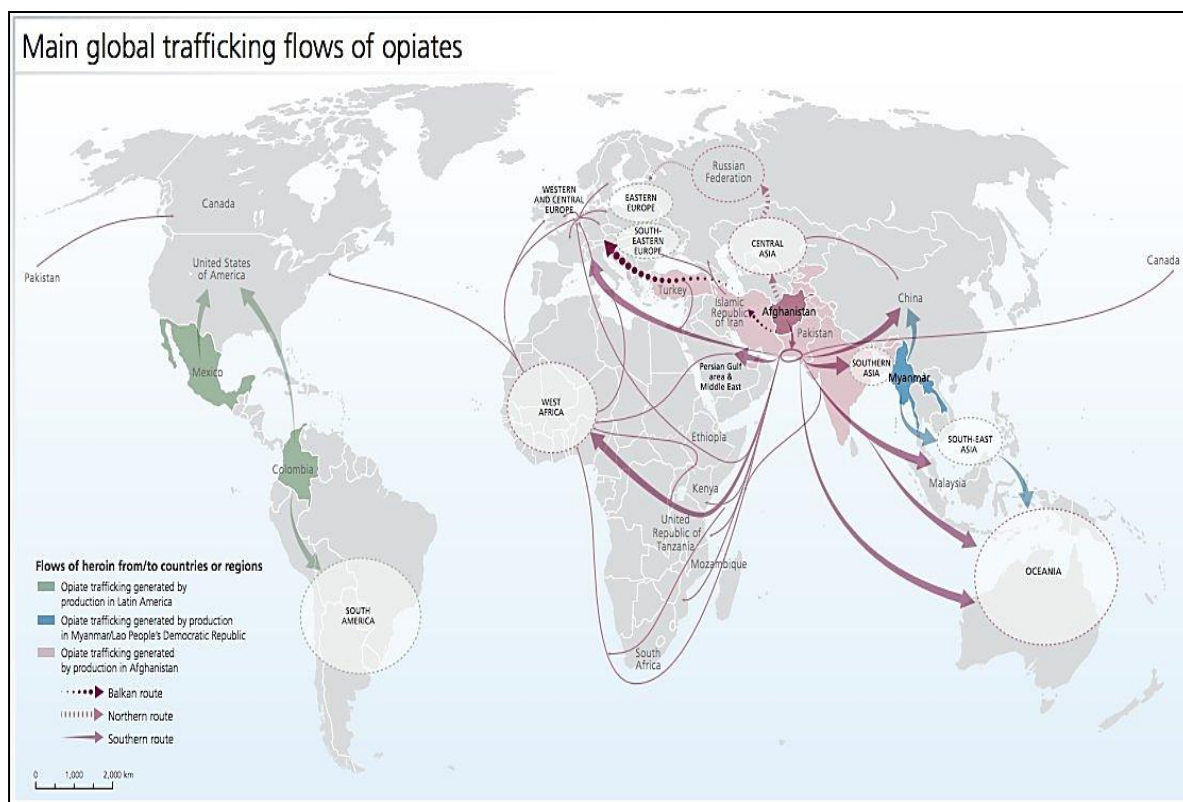
منبع: (<http://khuzestan.blogspot.com>)

مصرف مواد مخدر، هر ساله جان بسیاری از ایرانیان را می گیرد و میلیاردها تومان ضرر به کشور وارد می کند؛ بنابراین، ایران را باید از قربانیان اصلی مواد مخدر دانست. ایران به دلیل هم جوار بودن با کشورهای تولیدکننده مواد مخدر با این مسئله در ابعاد گسترده تری روبرو است. از بعد جغرافیایی، قرار گرفتن ایران در مجاورت کانون «هلال طلایی» (افغانستان و پاکستان) و مسیر ترانزیت مواد مخدر، ضعف در انسداد فیزیکی مرزهای شرقی و وجود محرومیت در آنجا، وجود محله های آلوده و جرم زاء، پدیده حاشیه نشینی و مناطق خاکستری (مناطق خارج از مهار دولت و دارای اقتصاد بیمار) نمونه هایی از ابعاد جغرافیایی است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر (افغانستان و اروپا) قرار گرفته است (معیدفر و زمانی سبزی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

افغانستان به عنوان کانون فشار، آوارگان، مواد مخدر، ناامنی و غیره آن را از طریق مرز به داخل ایران تزریق کرده است. مرز ایران و افغانستان بحرانی ترین مرز کشور بوده و هزینه ها و آسیب های فراوانی به ایران وارد کرده است که

۵/۲ میلیون آواره و ۵/۲ میلیون معتاد یکی از ابعاد هزینه های آن است. (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۷۱ - ۷۷)

موقعیت ایران، نه تنها در منطقه جنوب غرب آسیا بلکه در جهان، به لحاظ قرار گرفتن در مجاورت بزرگ ترین کانون تولید مواد افیونی در جهان آسیب پذیرترین شرایط را در میان کشورهای جهان دارد. نزدیک ۸۰ درصد مواد افیونی جهان که به صورت غیرقانونی مصرف می شود، در افغانستان تولید می شود (گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل (UNODO)؛ و لافل ۵۰ درصد آن به قصد ترانزیت و یا مصرف وارد کشور ما می شود (غنجدی، ۱۳۸۳: ۲۵).



نقشه شماره ۲- موقعیت ایران نسبت به کانون‌های تولید مواد مخدر

منبع: (Business Insider)

ایران، به خاطر قرار گرفتن در مجاورت بزرگ‌ترین کانون تولید مواد افیونی و همچنین واقع شدن در مسیر ترانزیت نزدیک یک دوم مواد تولیدی افغانستان، حساس‌ترین موقعیت ژئوپلیتیکی را در میان سایر کشورهای منطقه و حتی جهان دارد. سرزمین ایران مناسب‌ترین و تقریباً آسان‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر قاچاق مواد مخدر به قصد کشورهای اروپایی است. ب) طولانی بودن مرز شرقی ایران با کشور افغانستان و پاکستان (نزدیک ۲۰۰۰ کیلومتر) و وضع توپوگرافی خاص مرز و حاشیه مرز شرقی از سمت ایران، کنترل مرز را در جلوگیری از ورود کاروان‌های قاچاق مواد مخدر با مشکل مواجه کرده است. این، در حالی است که تاکنون اقدامات مهندسی متنوعی در نوار مرز انجام شده است و همچنین بیش از ۵۰ هزار نفر از نیروهای انتظامی در قالب قرارگاه‌های عملیاتی - تاکتیکی و هنگ‌های مرزی و دسته‌های مبارزه با مواد مخدر در برخورد با ناامنی‌های ناشی از ورود و حمل مواد مخدر مشغول خدمت‌اند؛ ولیکن همچنان با ورود مواد مخدر به داخلی کشور مواجه هستیم. ج) داشتن بیشترین همسایه؛ جمهوری اسلامی ایران به همراه چین پس از فدراسیون روسیه دارای بیشترین همسایه (۱۵ کشور) در جهان است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۲) چنین موقعیتی فضای سرزمینی ایران را برای ورود انواع مواد مخدر اعم از طبیعی و صنعتی و همچنین خروج مواد طبیعی مانند مواد افیونی و حشیشی مستعد کرده است و از این روست که کشور ما همواره به عنوان مناسب‌ترین کشور ترانزیت به حساب می‌آید. د) محروم بودن استان‌های شرقی و نبود فرصت‌های شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است.

بافت مذهبی حاکم در استان سیستان و بلوچستان (اهل تسنن) زمینه‌ساز گرایش به قاچاق مواد مخدر است. علما و بزرگان آن‌ها خرید و فروش مواد مخدر را بلامانع می‌دانند لذا این نوع نگاه موجب بیرون رفتن قبح داد ستد قاچاقی مواد مخدر در حساسی‌ترین نقطه یعنی مبادی ورودی شده است.

ز) جوان بودن جمعیت ایران به عنوان یک عامل متغیر ژئوپلیتیکی بیشترین آسیب‌پذیری را در گرایش افراد به قاچاق و اعتیاد موجب شده است؛ (و) فقدان سیاست‌های کلان، استراتژی و برنامه ملی برای مقابله با مواد مخدر در ابعاد مختلف، مانند مقابله با عرضه و تقاضا، درمان و پیشگیری پس از یک ربع قرن. ه) عدم وفاق و هماهنگی و اعمال سلیقه‌های انتفاعی و انحصاری بخشی نگر میان دستگاه‌های دست‌اندرکار و عضو ستاد مبارزه با مواد مخدر از چالش‌های مأموریت مبارزه با مواد مخدر بوده است.

سهم مواد مخدر در جرائم امنیتی

۳۰ تا ۹۵ درصد جرائم و آسیب‌های جدی کشور از ناحیه مواد مخدر است. مواد مخدر جزو چهار بحران اصلی دنیاست و نارکو تروریسم در کنار صنعت اسلحه و نفت و توریسم قرار دارد و گردش مالی مواد مخدر ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بر اساس شاخص‌های سال ۱۳۸۳، گردش مالی مواد مخدر در ایران بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار که در شرایط فعلی معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان است که البته قسمت عمده آن پول کثیف است که جرائم بسیاری به همراه دارد (رییس دانا، ۱۳۸۲: ۴۴).

در بند ۵۷ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به طور مشخص بر مهار و مدیریت مواد مخدر و اعتیاد تأکید شده است و بند ۵۶ سیاست‌های کلی نیز بر کاهش ۱۰ درصدی جرائم مواد مخدر تأکید دارد.

ایران بالاترین سطح مبارزه با نارکو تروریسم در دنیا و متأسفانه بالاترین میزان قربانی‌ها را در این عرصه دارد. از سال ۱۳۶۸، ۳۷ هزار باند مافیایی مواد مخدر در کشور متلاشی شده‌اند و تاکنون ۳۱ هزار درگیری مسلحانه رخ داده است. همچنین نزدیک به ۲۶ هزار و ۵۰۰ قبضه انواع سلاح را ضبط شده است. علاوه بر این ۱۱۰ هزار خودروی سبک و سنگین از مافیا نیز ضبط شده است. ۴۰۰۰ شهید و ۱۳ هزار جانباز در حوزه مواد مخدر و ۱۱ هزار تن انواع کشفیات که مرفین، تریاک و شیشه از این جمله هستند از جمله آمارهای این حوزه هستند (همان، ۱۳۸۲: ۴۴).

از ۱۱۲ هزار تن تولید خالص مواد مخدر در افغانستان ۱۰/۵ درصد آن در ایران کشف می‌شود. از این میزان حدود ۴۰ درصد کشفیات مربوط به محموله‌هایی بودند که به سمت کشورهای اروپایی ترانزیت می‌شدند. ۴۵ درصد از موارد دستگیری و زندانی به صورت مستقیم و ۱۸ درصد به صورت غیرمستقیم به جرائم مواد مخدر مربوط می‌شود و می‌توان گفت حدود ۶۴ درصد از زندانیان ایران با جرائم مواد مخدری در ارتباط هستند. همچنین ۶۵ درصد همسر آزاری‌ها، ۵۵ درصد طلاق‌ها، ۳۰ درصد کودک‌آزاری‌ها در شرایط فعلی و ۹۵ درصد گروگان‌گیری‌های سال ۷۰ تا ۷۸ مربوط به مواد مخدر بوده‌اند. ۲۵ درصد قتل‌های عمد و ۱۷ درصد تصادفات جاده‌ای ناشی از اعتیاد هستند و می‌توان گفت در مجموع ۳۰ تا ۹۵ درصد جرائم و آسیب‌های جدی کشور از ناحیه مواد مخدر است. ۴۳ درصد جمعیت زندانیان کشور مربوط به جرائم مواد مخدر است (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

امروزه مصرف و قاچاق مواد مخدر که به معضلی جهانی تبدیل گشته است می‌تواند از یک سو در زمره تهدیدات عام قرار گیرد چرا که امنیت و قدرت ملی از سوی سازمان‌های جنایی بین‌المللی تهدید می‌گردد. همچنین قرار گرفتن ۲۷ درصد از کل زمین‌های زیرکشت خشخاش جهان در افغانستان و تولید ۸۰ درصد مواد مخدر جهان در این کشور تهدید عام ناشی از قاچاق و مصرف مواد مخدر را برای جمهوری اسلامی ایران به تهدیدی خاص بدل ساخته است. قاچاق مواد مخدر ضمن ایجاد اختلال در امنیت اقتصادی موارد ذیل را در پی خواهد داشت که در صورت حادث شدن ضمن ناتوانی اقتصادی امنیت کشور را از راه‌های گوناگون تهدید خواهد کرد.

الف- اقتصاد سایه: در کنار اقتصاد رسمی و قانونی یک اقتصاد غیررسمی وجود دارد که به آن اصطلاح اقتصاد غیررسمی می‌گویند. اقتصاد سایه نه تنها بازارهای سیاه و غیر قانونی بلکه اقتصاد رسمی را نیز در بر می‌گیرد که امکان معیشت را برای شهروندان عادی فراهم می‌کند (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

قاچاق مواد مخدر ممکن است بخشی از فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل داده و دارای نتایج منفی زیادی می‌باشد به عبارتی چون خارج از سیستم مالیاتی قرار دارد کمکی به ظرفیت و توانایی دولت نکرده و هدف بالقوه‌ای برای افراد مافیا تلقی می‌گردد. رقابت شدید و خشونت‌آمیز جزء ماهیت تجارت غیرقانونی مواد مخدر است. هنگامی که یک گروه جنایی این چنین حمایتی را به دست می‌آورد تهدید به استفاده از آن می‌نمایند تا رقابت‌ها و کشمکش‌ها را جهت کنترل بازار غیرقانونی برای یک نوع مواد مخدر خاص محدود نمایند.

وجود ناامنی و شرارت در محل‌های قاچاق و ترانزیت مواد مخدر، همچنین مناطق هم‌جوار با کانون‌های تولید مواد مخدر در سطح منطقه، سبب شده تا سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی علی‌رغم میل و اراده سیاسی برای انجام این کار صورت نگرفته و همچنان کشور شاهد عدم توسعه‌یافتگی و فقر در این مناطق است. هزینه مربوط به نگهداری و درمان معتادان، هزینه‌های نگهداری قاچاقچیان و زندانیان مواد مخدر، هزینه‌های مربوط به طلاق، فروپاشی خانواده‌ها و مسئله بچه‌های سر راهی، هزینه‌های مربوط به دستگیری و اعدام قاچاقچیان، تسویه حساب‌های داخلی و شخصی گروه‌ها و باندهای مواد مخدر، هزینه‌های بیماری ناشی از مصرف مواد مخدر مانند ایدز و گرفتار شدن بخش قابل توجهی از منابع انسانی در حوزه‌های انتظامی یا قضایی و درمان. تجارت مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های مجرمانه وسیله فعالیت اقتصادی مردم محسوب خواهد شد تا از فقر بکهند و بر اشتغال بیفزایند. فساد و رشوه وسیله راه‌اندازی کارها خواهد بود (معیدفر و زمانی سبزی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

علاوه بر هزینه‌های هنگفتی که تهیه‌ی مواد مخدر از منابع غیرقانونی و قاچاق آن، برای قاچاقچی دارد و باعث می‌شود که سرمایه برای انجام کارهای مشروع و مفید به کار گرفته نشود و به اقتصاد ملی از این جهت لطمه وارد آید، درآمد و پول‌های حاصل از قاچاق مواد مخدر آلوده است و باید شست و شو گردد.

گسترش قاچاق مواد مخدر در برخی مناطق کشور به ناامن کردن فضای سرمایه‌گذاری انجامیده است شرارت و ناامنی و تصفیه حساب‌های خونین، اخاذی مسلحانه، راه‌بندان، گروگان‌گیری، حمله به مراکز اقتصادی و عمومی بارها به وسیله قاچاقچیان مواد مخدر در مناطقی از استان‌های آلوده کشور روی داده است. طبعاً طرح مسئله وجود ناامنی که عمدتاً با توجه به نبود شناخت دقیق از این مناطق به شکل اغراق آمیزی نیز بازتاب می‌یابد، موجب بی‌میلی به سرمایه‌گذاری می‌شود. از سوی دیگر دولت مرکزی برای مقابله با این روند، ناچار از تشدید اقدامات امنیتی و نظارت

متمرکز بر اموری است که در مناطق امن چنین موضوعیتی ندارند. کافی است نگاهی به تعدد تورهای ایست و بازرسی در مسیرهای منتهی به شرق و جنوب شرق کشور ببیند. در واقع برخی مناطق به پادگان‌های نظامی بدل شده‌اند. انجام دادن چنین اقدامات گریزناپذیر به هر حال تأثیر منفی در امر سرمایه‌گذاری گسترده به ویژه به وسیله بخش خصوصی نهاده و بر میزان هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی می‌افزاید. به همین دلیل است که پس از انقلاب اسلامی اکثر سرمایه‌گذاری‌ها در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان را بخش دولتی انجام داده که البته برای رفع محرومیت‌زدایی و توسعه استان لازم، اما ناکافی بوده است به گونه‌ای که این استان علی‌رغم تخصیص امکانات فراوان، همچنان در شمار نواحی محروم کشور به شمار می‌رود (همان، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

برخی از سازمان‌های جنایی فعالیتشان را به طور کلی بر بازارهای غیرقانونی مواد مخدر و برخی نیز، بر تولید و قاچاق مواد مخدر متمرکز نموده‌اند. بخشی از درآمد و عایدات حاصله از تجارت غیرقانونی مواد مخدر در برخی از مواقع با استفاده از شیوه‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی جهت فاسد نمودن نیروهای مبارزه‌کننده با مواد مخدر، مقامات قضایی و دیگر مقامات هزینه می‌نمایند تا از این طریق بتوانند فعالیت‌های خود را توسعه و گسترش دهند.

مبارزه با مواد مخدر هزینه سنگینی را بر کشورها تحمیل نموده به طوری که کشف هر یک کیلوگرم مواد مخدر در حدود ۴۰۰ دلار هزینه دارد و هزینه‌های غیرمستقیم دیگر نظیر (استقرار نیروها، استهلاک ماشین‌آلات و ادوات، دستمزد پرسنل و تلفات و جراحات و...) را شامل می‌شود. بیش از ۵۰ هزار نفر از نیروهای انتظامی در قالب قرارگاه‌های عملیاتی- تاکتیکی و هنگ‌های مرزی و دسته‌های مبارزه با مواد مخدر در برخورد با ناامنی‌های ناشی از ورود و حمل مواد مخدر مشغول خدمت‌اند ولیکن همچنان با ورود مواد مخدر به داخل کشور مواجه هستیم.

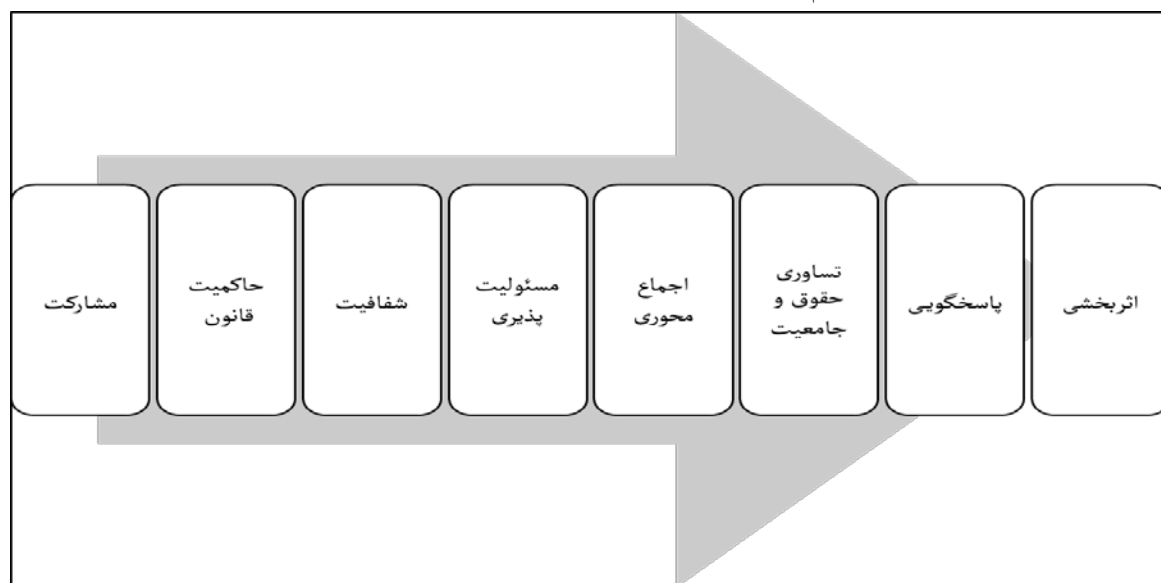
با توجه به از بین رفتن زمینه‌های تولید مواد مخدر در داخل (اعم از کشت و یا تبدیل تریاک به هروین) و ورود تمامی این مواد از خارج کشور، مسئله مرز و مواد مخدر از یکدیگر جدایی ناپذیرند. حفظ امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن، یکی از شاخص‌های امنیت هر کشوری محسوب می‌شود و افزایش قاچاق مواد مخدر به چند صورت امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن را تهدید می‌کند. علیرغم رشد و توسعه فناوری، حفاظت و کنترل مرزها، همچنان مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشورها نفوذپذیر است. گروه‌های شورشی و مسلح غیرقانونی باید راهی را برای استمرار حاکمیت خود در مناطق تحت کنترل پیدا کنند یکی از روش‌های کسب درآمد قاچاق مواد مخدر می‌باشد. گروه‌های غیر مسلح غیرقانونی و شورشیان از اخذ مالیات، یا حتی از مدیریت فعالیت‌های جنایی سازمان‌یافته بخصوص در بحث قاچاق مواد مخدر درآمد کسب می‌کنند. طبق ارزیابی‌های مک نیل بین ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمدهای حاصل از تجارت چند میلیون دلاری تریاک در اختیار شورشیان قرار می‌گیرد. مواد مخدر یکی از سلاح‌های خطرناک تروریسم است که در قالب پروژه تروریسم فرهنگی اجتماعی صورت می‌گیرد (موسایی و گرشاسبی فخر، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

مواد مخدر و کارآمدی سیاست‌گذاری‌های امنیتی

سیاست‌گذاری خوب در ابتدای امر، یک فعالیت ذهنی است. در ابتدای امر باید مدل حل مسئله به صورت ذهنی ایجاد گردد، دستورالعملی باید تنظیم شود و مسئله‌ای که باید با تغییر سیاست حل شود باید در شروع کار روشن گردیده، جوانب دور و نزدیک آن مورد ملاحظه قرار گردد. سیاست خوب با اهداف سیستم ظهور پیدا می‌کند و اجرا می‌شود. سیاست با اهداف وزارتخانه‌ها در ارتباط می‌باشد گرچه ممکن است باعث ایجاد وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های

عمومی شود. سیاست خوب باید دقیق باشد برای تدوین آن‌ها از شواهد و اطلاعات صحیح و پایه و کمی و کیفی بهره جست و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها باید عقلایی، جامع و دقیق بود. سیاست خوب، اخلاقی است. این سیاست‌ها بر احترام و همگرایی کارگزاران دولتی و حسن رابطه‌ها تأکید دارند و بر پایه نفع رساندن به مردم و تکریم آنان استحکام می‌یابند. سیاست خوب شفاف و روشن باید باشد و رابطه‌ای شفاف با بالاتر و پایین‌تر خود داشته باشد. سیاست خوب باید قابل فهم باشد، شفافیت سیاست به آن کمک می‌کند و باید از جملات طولانی تا حد ممکن خودداری کرد. سیاست خوب برای تغییر و بهبود باز است، در زمان و مکان مناسب نوشته شده و امکان دسترسی به آن‌ها برای اصلاح و تغییر است. سیاست خوب به موقع است، به چالش‌های پیش آمده و تغییرات پاسخ می‌دهد، باعث اتلاف وقت و افزایش هزینه نمی‌شود. سیاست خوب توانایی تطبیق را دارد، چالش‌ها را پیش‌بینی و با تغییرات محیط عملیاتی تطبیق می‌یابد (بیات ریزی، ۱۳۹۰: ۴۴).

سیاست‌گذاری کارآمد دارای ۸ مؤلفه اصلی است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از مشارکتی بودن، اجماع محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان و نهایتاً حاکمیت قانون. سیاست‌گذاری کارآمد تضمین‌کننده کمینه شدن فساد، احترام به نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر در انجام تصمیم‌گیری است. همچنین سیاست‌گذاری کارآمد در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسئول است که در زیر به بررسی تک تک اجزای آن می‌پردازیم.



نمودار شماره ۲- مراحل سیاست‌گذاری کارآمد

منبع: (بیات ریزی، ۱۳۹۰: ۴۴)

۱- مشارکت^۱

مشارکت سنگ بنای اصلی سیاست‌گذاری کارآمد به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخبشان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد

^۱. participation

دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب‌پذیر در اتخاذ سیاست‌ها نیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف‌شده محقق می‌گردد

۲- حاکمیت قانون^۱

سیاست‌گذاری کارآمد نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیر مغرضانه اجرا شوند. خصوصاً باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیت‌ها حفظ گردد. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است (همان، ۱۳۹۰: ۴۴).

۳- شفافیت^۲

شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود.

۴- مسئولیت‌پذیری^۳

در سیاست‌گذاری کارآمد سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می‌بایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند. فرافکنی و توهم توطئه از جمله مواردی هستند که همواره برای فرار از مسئولیت‌پذیری به کار گرفته شده‌اند.

۵- اجماع محوری^۴

در سطح جامعه کنشگران زیادی با نقطه نظرات مختلف حضور دارند. سیاست‌گذاری کارآمد می‌بایست منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده فراهم نماید. تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک درستی از دورنمای بلندمدت توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف در این نوع از توسعه است.

۶- تساوی حقوق و جامعیت^۵

رفاه و سلامت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیرگذار پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای اقشار آسیب‌پذیر جهت بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر نمی‌شود.

۷- پاسخگویی^۶

پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای سیاست‌گذاری کارآمد به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم، خاصه ذینفعان خود، پاسخگو باشند. اینکه

^۱. Rule of Law

^۲. Transparency

^۳. Responsiveness

^۴. Consensus oriented

^۵. Inclusiveness

^۶. Accountability

پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است بر حسب نوع تصمیمات و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد متغیر است. در حالت کلی هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخگوست. نکته مهم اینجاست که پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می‌شود.

۸- کارآیی و اثر بخشی^۱

سیاست‌گذاری کارآمد به معنای آن است که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و بهترین استفاده را از منابع بنمایند. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در بر گیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست.

در حال حاضر و بر اساس برآوردهای جهانی، دو پدیده‌ی تروریسم و تولید مواد مخدر، خطری جدی برای امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند. در همسایگی ایران، افغانستان به عنوان منبع اصلی تولید مواد مخدر است. از سال ۲۰۰۱ که آمریکایی‌ها به افغانستان حمله کردند تا با مواد مخدر و تروریسم مبارزه کنند تا امروز ۱۶ سال گذشته است.

موضوع نگران‌کننده در این زمینه تبدیل شدن قاچاق مواد مخدر به منبع درآمد برای تروریست‌ها و تأثیر آن بر امنیت کشورهای منطقه است.

«آندری کازانتسیف»، یکی از کارشناسان مسائل بین‌الملل در روسیه در این باره می‌گوید: «...اوضاع افغانستان و تأثیرات آن بر مسئله‌ی امنیت در کشورهای آسیای مرکزی- سایه‌ی سنگین خودش را دارد. به‌طور کلی، هرگونه ادامه و تقویت تهدیدهای سنتی در آسیای مرکزی، خطری برای امنیت روسیه نیز تلقی می‌شود.» مطابق گزارش‌های منتشره تولید مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۶ به پنج هزار و ۶۰۰ تن رسید؛ مطابق همین گزارش‌ها حدود ۳۵ درصد این مواد از ایران عبور می‌کند (متقی، ۱۳۹۵: ۶۸).

ایران در کنار افغانستان و پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی، بالاترین نرخ‌های مصرف تریاک در جهان را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین میزان هروئین کشف شده در جهان نیز متعلق به ایران با ۲۷ تن بوده است. این میزان هروئین، یک‌سوم کل هروئین کشف شده در جهان است. بعد از ایران نیز کشور ترکیه با کشفیات کمتر از نصف ایران قرار دارد. ایران، همزمان رتبه نخست کشفیات تریاک جهان را با ۴۰۱ تن به خود اختصاص داده است. در گزارش مذکور، همچنین به افزایش قاچاق هروئین در مقادیر گسترده از طریق ایران و پاکستان اشاره کرده است. گفته شده است به‌رغم آنکه شیوع تریاک در پاکستان تقریباً به اندازه کشورهای غرب اروپاست، این میزان در ایران به میزان چهار یا پنج برابر این کشورهاست. همچنین اعلام شده است ایران در دهه ۷۰ میلادی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تریاک جهان بود اما با پیروزی انقلاب اسلامی، این تولید متوقف و تریاک از مرزهای خارجی وارد کشور شد. این مسئله نشان می‌دهد حذف سمت عرضه از داخل کشور بدون توجه به تقاضای مواد مخدر، موجب کاهش مصرف نشده و صرفاً مبداء عرضه را به خارج از مرزها به شکل غیرقانونی منتقل کرده است. بر اساس

^۱. Efficiency and Effectiveness

یافته‌های گزارش مذکور، با توقف تولید مواد مخدر در ایران، مرکز آن ابتدا به پاکستان و سپس به افغانستان منتقل شد (همان، ۱۳۹۵: ۶۸).

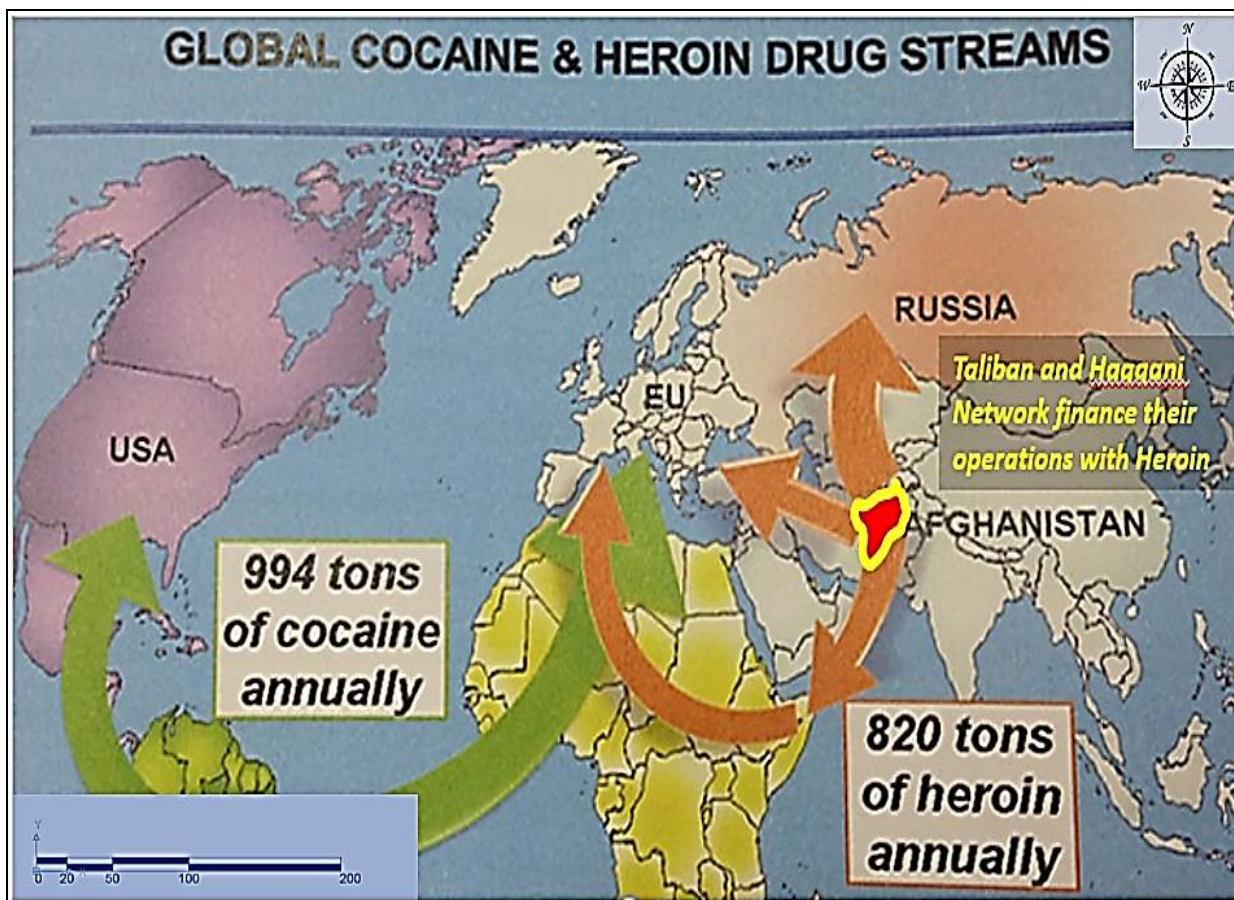
در ابتدای قرن بیستم (سال ۱۹۰۷) ایران بعد از چین و هند سومین تولیدکننده بزرگ تریاک جهان بود. تولید ایران در آن زمان حدود ۶۰۰ تن برآورد شده است که ۱/۵ درصد کل تولید جهان بود. ۷۵ درصد از این تولید، صادر و مابقی در داخل مصرف می‌شد؛ اما به لحاظ کیفیت، تریاک تولیدشده در ایران از چین بهتر بود و بعد از تریاک هند، دومین تریاک مرغوب جهان به شمار می‌رفت. سرانه مصرف تریاک ایران در ابتدای قرن بیستم، ۰/۵ کیلوگرم به ازای هر نفر از مصرف‌کنندگان بود و ۳۰۰ هزار نفر در کشور معتاد بودند که معادل ۲/۹ درصد جمعیت ایران بود (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۶۷).

با تداوم سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر، آمار کشفیات در سال‌های بعد از انقلاب همواره افزایش داشته است؛ هرچند برخی معتقدند این مسئله به دلیل افزایش مصرف مواد مخدر بوده است. کشفیات مواد مخدر از ۱۱ تن در سال ۵۸، به بیش از ۴۹۴ تن در سال ۹۰ رسیده است. آمارهای ستاد مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد در سال گذشته ۴۹۴ تن مواد مخدر و روان‌گردان کشف شده است که تریاک با ۳۸۱ تن و حشیش با ۶۴ تن عمده مواد مخدر کشف‌شده را تشکیل می‌دهند و کمترین میزان هم مربوط به متامفتامین‌ها (شیشه) به میزان چهار تن بوده است. به‌رغم این سهم کم، رشد کشفیات مربوط به این ماده به سرعت افزایش یافته است و از حدود هزار کیلوگرم در سال ۱۳۸۸، به ۴۴۰۰ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سه‌ماهه نخست امسال، نیز ۱۰۸ تن مواد مخدر کشف شده است که ۷۹ درصد آن تریاک بوده است. با وجود اینکه آمار کشفیات به عنوان یکی از دستاوردهای نیروی انتظامی عنوان می‌شود، پژوهش رئیس‌دانا بر اساس آمارهای منتشر شده تا سال ۲۰۰۱ با عنوان «بازار مواد مخدر در ایران» نتیجه‌گیری می‌کند دلیل عمده نوسان در کمیت کشفیات به دلیل بازدهی و عملکرد ارگان‌های مبارزه با مواد مخدر نیست، بلکه به تغییر سطح تولید و ترانزیت مواد از طریق ایران مربوط است (همان، ۱۳۸۹: ۴۶۷).

هم‌اکنون، بیش از ۴۴ درصد زندانیان کشور، در ارتباط با مواد مخدر در حال سپری کردن دوران حبس خود هستند. در سال گذشته، ۲۷۳ هزار نفر به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند که این میزان رشد ۱۳ درصدی نسبت به سال پیش از آن را نشان می‌دهد. در سه ماهه نخست امسال نیز بیش از ۷۰ هزار نفر در این رابطه دستگیر شدند که رشد پنج‌درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۰ دارد. تعداد ورودی زندانیان مواد مخدر در این سال بیش از ۱۶۸ هزار نفر بوده است که کاهش چهاردرصدی نسبت به سال قبل از آن دارد؛ با این حال موجودی زندانیان در این سال نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۵ درصد رشد نشان می‌دهد. بر اساس گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر، دلیل این امر لغو مرخصی و رأی باز و نیز اعمال مجازات‌های سنگین برای عوامل اصلی عرضه مواد مخدر در کشور بوده است. در سال گذشته، بیش از ۷۲۱ هزار نفر در مراکز درمان و کاهش آسیب کشور پذیرش شدند که رشدی سه‌درصدی نسبت به سال قبل از آن را نشان می‌دهد. بر این اساس، بیش از ۵۰ درصد معتادان کشور تحت جذب و حفظ پوشش درمان و کاهش آسیب قرار گرفتند (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۶۷).



نقشه شماره ۳- موقعیت ژئوپلیتیک ایران و مسیرهای حمل و نقل مواد مخدر از افغانستان منبع: (https://fas.org/irp)



نقشه شماره ۴- جایگاه ژئوپلیتیک ایران در مسیرهای بین‌المللی جابجایی مواد مخدر منبع: (https://www.linkedin.com)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی - پژوهشی

طی ۱۰۰ سال اخیر، تلاش‌های قانونی متعددی برای کاهش استعمال مواد مخدر صورت گرفته است. در این میان، بازدارنده‌های قانونی متعددی از ممنوعیت مواد مخدر و مجازات‌های نقدی تا اعدام در نظر گرفته شد. برخی معتقدند مجازات‌های قانونی بدون در نظر گرفتن سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب جهت کاهش تقاضا، چندان راهگشا نخواهد بود. نخستین تلاش‌های قانونی دوران معاصر، به زمان مشروطه بازمی‌گردد. علاوه بر تصویب قوانین داخلی، از دوران حکومت پهلوی اول تاکنون، چندین بار الحاق به مجامع و پروتکل‌های بین‌المللی به تصویب رسیده است و گفته می‌شود برخی از تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در زمینه مصرف مواد مخدر در ایران، به ویژه در دهه‌های نخست مبارزه با مواد مخدر، تحت تأثیر این الحاقیات بوده است.

نخستین قانون رسمی با هدف محدودیت مصرف مواد مخدر، در سال ۱۲۸۹ تصویب شد. بر اساس این قانون که «قانون تحدید تریاک» نام داشت، اعلام شد «از هر مثقال تریاک مالیده ۳۰۰ دینار مالیات دریافت می‌شود». این میزان از سال سوم تا هفتم افزایش می‌یافت و بعد از آن نیز از ابتدای سال هشتم اجرای قانون، «استعمال شیریه کلیتاً و استعمال تریاک غیر از آنچه برای دوا لازم است ممنوع خواهد بود.»

پس از تصویب قانون منع ورود مواد مخدر در سال ۱۳۰۱، در تیرماه سال ۱۳۰۷، تریاک به انحصار دولت درآمد و بر اساس «قانون انحصار دولتی تریاک» اعلام شد «کلیه معاملات و نگاهداری و انبار کردن و تیاری و حمل و نقل و صدور تریاک و شیریه و چونه اعم از مصرف داخلی و خارجی منحصر به دولت است.» دولت نیز وظیفه پیدا کرد طی ۱۰ سال، مصرف داخلی تریاک را سالانه ۱۰ درصد کاهش دهد تا در پایان سال دهم، «استعمال تریاک در غیر موارد طبی در تمام مملکت متروک و ممنوع گردیده و فروش تریاک در موارد طبی به موجب نسخه طبیب و در داروخانه‌ها به عمل آید.» مدتی بعد و در مرداد همان سال، «قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» به تصویب رسید و برای قاچاق و نگهداری خارج از قانون تریاک، مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شد. یک سال بعد نیز «قانون طرز جلوگیری از قاچاق تریاک» در ادامه آن تصویب شد. در سال ۱۳۱۱ قانون انحصار دولتی اصلاح شد و یک سال بعد در سال ۱۳۱۲، با تصویب «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» کلیه قوانین مربوط به مجازات مرتکبین قاچاق تریاک نسخ شد. در این سال‌ها به تدریج و با تغییر سیاست‌ها، میزان کشت خشخاش افزایش یافت و در نهایت دولت کشت خشخاش را در چند شهر ممنوع اعلام کرد.

بعد از افزایش تولید تریاک، بنا بر گزارش مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان «درآمدی بر قانون مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد»، دولت «رسماً در سال ۱۳۲۴ لایحه الحاق بدون قید و شرط ایران به قرارداد بین‌المللی تریاک را به مجلس برده و با تصویب آن، تصویب‌نامه منع کشت خشخاش و مبارزه با قاچاق و درمان معتادان را به امضا رسانید. این قانون با روی کار آمدن دولت عبدالحسین هژیر در سال ۱۳۲۶ ملغی و کشت خشخاش قانونی و مجاز اعلام گردید.

قانون مورد توجه این دوران، در سال ۱۳۳۱ تصویب شد. بر اساس «قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاک و مشتقات آن»، دولت موظف شد «ورود و تهیه و خرید و فروش و مصرف کلیه نوشابه‌های الکلی و همچنین تهیه و خرید و فروش تریاک و مشتقات آن و نیز کشت خشخاش را از سال ۱۳۳۳ به

بعد در سراسر کشور ممنوع سازد.» مصارف طبی و صنعتی از این قانون مستثنی شدند. به‌رغم آنکه تصویب شده بود کشت خشخاش از سال ۱۳۳۳ ممنوع شود، قانون دیگری در سال ۱۳۳۴ با نام «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک» تصویب شد تا به تدریج مزارع خشخاش تغییر کاربری پیدا کنند و معتادان نیز با معرفی خود به مراکز تحت نظر وزارت بهداشتی، تحت معالجه قرار گیرند. آیین‌نامه اجرایی این قانون که مدتی بعد تصویب شد، شامل مجازات‌های بیشتری نسبت به قوانین قبلی بود و برای متخلفان، حبس نیز در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۳۳۸، این قانون اصلاح شد و تعاریف مربوط به مواد مخدر از جمله مرفین، هروئین و دیگر مشتقات و مواد شیمیایی نیز به صراحت به آن افزوده شد. همچنین مجازات‌های مربوط به متخلفان از قانون نیز بیش از گذشته تشدید شد. عدم توفیق این قوانین موجب شد بعد از ۱۳ سال، در سال ۱۳۴۷ تغییری در رویکرد قوانین به وجود آمده و «قانون اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک» تصویب شود و البته انحصار این مسئله در دست دولت باقی بماند. مصرف مواد مخدر نیز جز در موارد طبی و علمی ممنوع شد. بعد از تصویب تدریجی آیین‌نامه‌های اجرایی قانون سال ۱۳۴۷، در سال ۱۳۴۹ «قانون اجازه معاملات تریاک و کمک به درمان معتادان» به تصویب رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ابتدا قوانینی برای رسیدگی به وضعیت معتادان مجاز تصویب شد. از آن جمله در اواخر سال ۱۳۵۸، مجوز واردات تریاک از هندوستان برای مصرف بیماران معتاد توسط شورای انقلاب صادر شد. همچنین وزارت کشاورزی نیز اجازه پیدا کرد «تریاک مکشوفه توسط کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران را بر طبق ضوابط سازمان معاملات تریاک و به قیمتی که بر طبق ماده ۲ آیین‌نامه اصلاحی ماده ۱ قانون مذکور از کشاورزان خریداری می‌شود، خریداری و در وجه کمیته مرکزی امام پرداخت نماید.

در خرداد سال ۱۳۵۹، «لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تامینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین» در ۲۵ ماده به تصویب رسید. برای نخستین بار، مجازات‌های بیشتر از جمله اعدام در نظر گرفته شد و کلیه قوانین قبلی نیز به جز تصویب‌نامه سال ۱۳۳۸ مربوط به فهرست مواد مخدر، ملغی شد. از جمله در ماده ۲ این قانون اعلام شد «هر کس مبادرت به کشت خشخاش نماید علاوه بر امحای کشت، برای بار اول مجازات حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.» متعاقباً در سال ۱۳۶۰ نیز سازمان معاملات تریاک منحل شد.

در سال ۶۷، قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید که این قانون همراه با اصلاحات صورت گرفته بر آن تا امروز در حال اجراست. بر اساس این قانون، ستاد مبارزه با مواد مخدر تشکیل شد که ریاست آن بر عهده رئیس‌جمهور است. اعلام شد معتادان موظف‌اند ظرف شش ماه از تصویب قانون در سال ۶۷، اقدام به ترک اعتیاد کنند. در سال ۱۳۷۶، اصلاحیه این قانون به تصویب رسید و حدود یک دهه بعد، سیاست‌های نظام در مبارزه با مواد مخدر از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد. در سال ۱۳۸۹ اصلاحیه دیگری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید رهبر معظم انقلاب اسلامی رسید. از جمله اصلاحات صورت گرفته در این مصوبه، افزوده شدن عبارت «روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی» به «مواد مخدر» با توجه به افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استعمارگران که دست خود را کوتاه می‌دیدند برای نابودی انقلاب یا کنترل آن، اشاعه بیشتر مواد مخدر را به عنوان یکی از حرب‌ها به کار گرفتند؛ اما آگاهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی رحمت‌الله علیه باعث شد که ایشان در سخنان تاریخی خود این مسائل را بازگو کنند. ایشان فرمودند: «شما این مسئله را اتفاقی ندانید که من باب اتفاق یک دسته‌ای هروئین فروش شده‌اند و دسته‌ای دیگر هم مبتلا شده‌اند، این هم توطئه‌ای است که قدرت‌های بزرگ به وسیله آن به ما ضربه می‌زنند». همچنین در قسمت دیگری از سخنان خود فرمودند: «این یک باب است که چون به حیثیت اسلامی برمی‌گردد، جلوگیری از آن بر همه واجب است». ایشان به درستی عنوان کردند که دیگر ایران، فقط به عنوان یک کشور جهان سوم مورد حمله قرار نمی‌گیرد بلکه استعمار با شیوع مواد مخدر قصد خدشه‌دار کردن اسلام را در سر می‌پروراند. لذا با درک صحیح از این معضل، مسئولان دولتی اقدامات اولیه و مطالعات نخست را در سطح کشور آغاز نمودند. شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۹.۳.۱ با تصویب تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی که تا آن زمان، این قانون در نوع خود جدید بود، فصلی نو در مبارزه گشود. طبق این قانون سهمیه تریاک معتادان لغو و دوره‌ای به مدت ۶ ماه به عنوان ترک اعتیاد مقرر گردید و همچنین برای کسانی که مکان استعمال مواد مخدر دایر کنند، مصادره اموال و مجازات مشخصی وضع شد. کلیه زمین‌های کشاورزی که پیش از انقلاب تحت کشت خشخاش قرار داشت پس از ابلاغ این مصوبه تاکنون کشت نشده و اگر به صورت خودرو هم در نقاط مختلف کشور یافت می‌شد، سریعاً توسط نیروی انتظامی امحاء می‌شد. با تمام تدابیر اتخاذ شده، استکبار در مواجهه شدید با اقدامات جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری بیشتر به سازماندهی و تسلیح گروه‌های قاچاق دست زد. ثمره این حرکت، ظهور قاچاقچیان بسیار مجهز و کاروان‌های کاملاً مسلح بود که بعضی اوقات دارای چنان تسلیحات پیشرفته‌ای می‌باشند که درگیری آن‌ها با نیروی انتظامی به یک جنگ تمام عیار مبدل می‌شود. پس از پذیرش قطعنامه ۸۵۹ و پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مقام‌های جمهوری اسلامی توجه بیشتری را به امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد معطوف کردند. با توجه به کمبودهایی که در قانون گذشته احساس می‌شد مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی در تاریخ سوم آبان ماه ۷۱۳۶ قانون مبارزه با مواد مخدر را با کارایی بالاتر به تصویب رساند که بر اساس آن ستادی به ریاست بالاترین و عالی‌ترین مقام قوه مجریه تشکیل و امر مبارزه با مواد مخدر منحصرأ بر عهده آن گذارده شد. با تشکیل این ستاد که نقطه عطفی در مبارزات جمهوری اسلامی ایران با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد محسوب می‌گردید، کلیه خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها در زمینه پیشگیری، مبارزه و بازتوانی معتادان اتخاذ و برای سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط ابلاغ می‌شد. با شروع کار ستاد مبارزه با مواد مخدر و شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان‌ها، در اجرای این قانون از طرفی وحدت رویه قضایی در محاکم و از طرف دیگر هماهنگی مطلوبی بین قوه مجریه و قضائیه به وجود آمد.

ریچارد اولمان در تعریفی که از تهدید ارائه نموده تهدیدات امنیت ملی را مدنظر قرار داده و می‌گوید: «تهدیدات امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی که به شکل مؤثر و در دوره نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی را برای ساکنان یک کشور پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خط‌مشی‌هایی که حکومت یک کشور با واحدهای غیر حکومتی خصوصی موجود در یک کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آن‌ها دست به انتخاب

زنند، همراه باشد.» در این تعریف، کاهش طیف خط‌مشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی یک کشور در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به منظور پیشبرد منافع معنا نمود. حال می‌خواهیم ببینیم آیا هر تهدید امنیتی، تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب می‌گردد؟ در پاسخ باید گفت، تهدیدات امنیت ملی، تهدیداتی هستند که متوجه اهداف مرجع ملی باشند و اهداف مرجع ملی اغلب مرتبط با حوزه‌های عمومی و دولتی است و کمتر در حوزه‌های خصوصی قرار دارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، موجودیت بخش‌های مختلف؛ نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یک کشور همگی در مجموعه اهداف مرجع امنیت ملی قرار داشته باشند؛ بنابراین هر تهدیدی که موجودیت این بخش‌ها را به خطر اندازد، امنیتی و علیه امنیت ملی خواهد بود. حتی گاهی برای برخی کشورها، موجودیت برخی سیستم‌ها نیز در چارچوب تهدیدات امنیت ملی قرار می‌گیرد. برای مثال موجودیت اقتصاد بازار برای آمریکا، هدف مرجع امنیت ملی است. با وجود آنکه بازار سرشار از تهدیدات عمومی است، اما از آنجا که یکی از پایه‌های ایدئولوژی دولت در ایالات متحده اقتصاد بازار است، به خطر افتادن موجودیت آن یک تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود. در اینجا و با بازگشت به بحث اصلی خود لازم است بررسی نمایم که مقوله مواد مخدر تا چه حد تهدیدی علیه امنیت ملی ایران به شمار می‌رود؛ حجم انبوه تولید و برداشت تریاک در افغانستان، موجب بروز مشکلات امنیتی و اجتماعی برای کشور ما می‌شود. بررسی‌ها آماری نشان داده که ۲۵ درصد آمار سایر جرائم (سرقته‌ها، درگیری‌ها، موارد خلاف اخلاق، جرائم مالی و منکراتی و...) به نوعی مرتبط با مسائل ناشی از مواد مخدر است. لذا اگر به طور جدی به معضل مواد مخدر توجه نکنیم و با توان بیشتری کار نکنیم، بی‌توجهی به مسئله مواد مخدر باعث به وجود آمدن بحران امنیتی و خطرناک در کشور می‌شود و ظرفیت آن را دارد که به عنوان تهدیدی علیه کل امنیت ما محسوب شود. بی‌تردید این دهه، دهه جدی تبدیل شدن این آسیب به یک بحران فراگیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و در نهایت تهدیدی علیه امنیت ملی خواهد بود.

تهدید این مواد از تهدید اتمی نیز بالاتر است، زیرا تهدید اتمی تهدیدی بالقوه است ولی تهدید مواد مخدر تهدیدی بالفعل. چرا که در حال حاضر یک چهارم جمعیت جهان درگیر دغدغه مواد مخدرند.

از تبعات سوء امنیتی مقوله مواد مخدر ارتباط تنگاتنگ و منسجم آن با پدیده تروریسم است. مواد مخدر و تروریسم اگرچه همزاد نیستند اما بسیار طبیعی است با وجود گردش فوق‌العاده تجارت جهانی مواد مخدر فعالیت‌های پر هزینه همانند تروریسم برای تداوم حیات خود محتاج به تجارت سودآور و نسبتاً کم‌هزینه‌ای مانند مواد مخدر باشد. با توجه به وابستگی تروریسم به منابع مالی حاصل از مواد مخدر، معضل مواد مخدر، خود به عنوان یک نوع از تروریسم و با عبارت «تروریسم پنهان» مطرح می‌گردد. این در هم آمیختگی و ارتباط تنگاتنگ بین دو معضل بزرگ دنیای امروز به حدی رسیده که می‌توان گفت؛ «مواد مخدر در خدمت تروریسم و تروریسم در خدمت مواد مخدر» است. این به هم پیوستگی تا جایی به پیش رفته که گفته می‌شود؛ «این استدلال رایج که تروریست‌ها از تجارت مواد مخدر برای تأمین مالی خود استفاده می‌کنند باید کنار گذاشته شود چرا که تولید مواد مخدر خود، ریشه تروریسم است. با توجه به مراتب اهمیت و پیچیدگی معضل بوده که شورای عالی امنیت ملی با توجه به ابعاد نگران‌کننده معضل مواد مخدر طی جلسه ۳۰۸ خود گسترش اعتیاد، قاچاق و عوارض ضد امنیتی و ضد بهداشتی آن را از

نشانه‌های تهدید امنیت و بروز فاجعه ملی قلمداد نموده و طی دستور العملی که با امضای مقام معظم رهبری رسیده، وظایف عمده دستگاه‌های مسئول جهت مهار و کنترل این معضل را احصاء و ابلاغ نموده است.

به گزارش منابع سازمان ملل متحد ۸۰٪ مواد مخدر توزیع شده در اروپا در افغانستان تولید می‌شود و بخشی از این مواد توسط قاچاقچیان مواد مخدر به ترکیه و سپس کشورهای اروپایی منتقل می‌شود. با توجه به مخاطرات حمل و نقل دریایی و هوایی مواد مخدر و کوتاهی مسیر ایران در رساندن مواد به ترکیه و سپس اروپا، باندهای بین‌المللی مواد مخدر برغم مبارزه شدید جمهوری اسلامی ایران همچنان تلاش می‌کنند محموله‌های خود را از این طریق ترانزیت کنند.

گزارش دفتر مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC) حاکی از آن است که از مجموع مواد مخدر تولید شده در افغانستان؛ ۵۳ درصد از طریق ایران، ۳۳ درصد از مسیر پاکستان و ۱۵٪ از طریق کشورهای آسیای میانه بویژه تاجیکستان به دیگر کشورها قاچاق می‌شود. بدین ترتیب براساس آمار اعلام شده می‌توان گفت که سالانه حدود ۵ هزار تن مواد مخدر به صورت قاچاق از مبادی مرزی شرق ایران وارد این کشور می‌شود. قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر با شگردهای مختلف و حتی تأسیس شرکت‌های پوششی و برخی فعالیت‌های به ظاهر اقتصادی، پول خود را به صورت قانونی وارد نظام بانکداری این کشورها می‌کنند. این امر ضمن خدشه وارد کردن به امنیت اقتصادی ایران، سبب دور شدن نیروی انسانی از فعالیت‌های اقتصادی مشروع و تضعیف شدید سرمایه‌های بومی و محلی می‌شود و امکان انباشت سرمایه را در این مناطق به حداقل می‌رساند. از سوی دیگر قاچاق مواد مخدر از ایران موجب گسترش مصرف این مواد در داخل کشور نیز می‌شود. سوداگران مرگ بخشی از مواد قاچاق را در داخل مرزهای ایران توزیع می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد جرائمی که در ایران اتفاق می‌افتد در ارتباط با مواد مخدر است. علاوه بر این اکنون اصلی‌ترین دلیل ناامنی در جنوب شرق ایران، گروه‌های مسلح مواد مخدر هستند. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر علاوه بر صرف هزینه‌های هنگفت، ناگزیر بخش زیادی از توان امنیتی خود را نیز در این راه صرف می‌کند. تاکنون از دل تجارت مواد مخدر، صدها شرور و تروریست پرورش یافته‌اند که بارها به امنیت ایران آسیب وارد کرده‌اند.

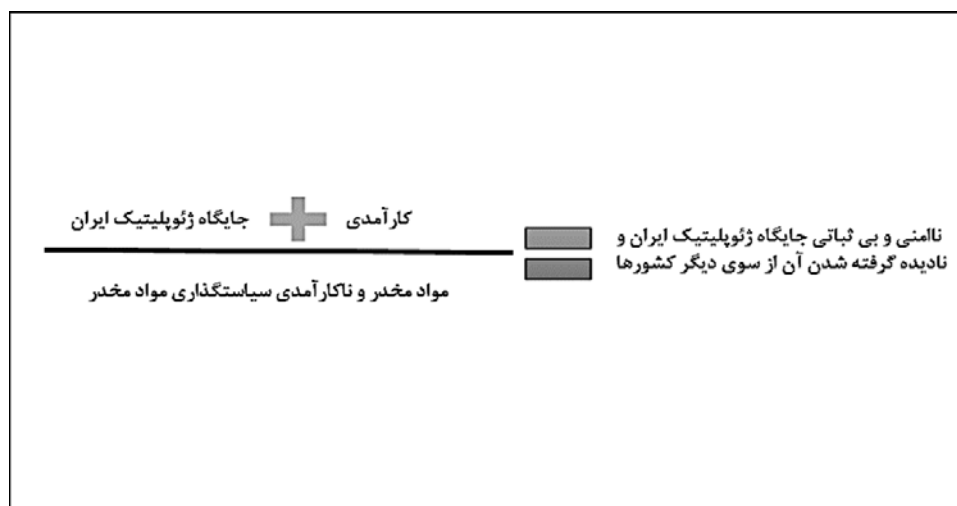
در دهه‌های اخیر بخشی از منابع مالی گروه‌های تروریستی در منطقه از طریق قاچاق مواد مخدر تأمین شده است. گروهک تروریستی عبدالمالک ریگی و باقیمانده‌های آن گروه از اصلی‌ترین تاجران مواد مخدر در جنوب شرق ایران هستند. مواد مخدر منبع مالی این گروه‌ها محسوب می‌شود که در خرید اسلحه و جذب نیرو به آنها بسیار کمک می‌کند. محموله‌های عمده و بزرگ مواد مخدر گاه به وسیله کاروان‌های مجهز به دستگاه‌های پیشرفته مخابراتی، دوربین‌های دید در شب، انواع سلاح‌ها و بعضاً موشک‌های سبک ضد هوایی به همراه نفرات آموزش دیده و آشنا به منطقه وارد ایران می‌شوند.

از این رو مقابله با آنان هزینه‌های هنگفتی را به کشور تحمیل کرده است. مرز ۱۲۹۵ کیلومتری ایران با پاکستان و افغانستان و نیز مرزهای آبی جنوب ایران در معرض تهدید و نفوذ باندهای قاچاق مواد مخدر قرار دارند. وضعیت طبیعی نقاط مرزی و ضعف دولت‌های مرکزی کشورهای همسایه، سهولت بیشتری برای قاچاقچیان فراهم می‌کند، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با ورود مواد مخدر ناچار است هزینه‌های زیادی برای کنترل و

انسداد مرزها صرف‌کند. احداث صدها کیلومتر خاکریز، انسداد ده‌ها تنگه و گذرگاه با بتون آرمه، حفر صدها کیلومتر کانال، احداث بیش از هزار پاسگاه مرزی و ایجاد صدها برجک دیده‌بانی از جمله اقدامات ایران در این زمینه بوده است.

این درحالی است که سایر کشورها هزینه‌های بسیار کمتری به این امر مهم اختصاص داده‌اند. در نتیجه این اقدامات، در سال ۲۰۱۴ نیروهای انتظامی ایران موفق شدند با اجرای حدود ۲۲۰۰ عملیات مبتنی بر اطلاعات در مجموع، بیش از ۵۰۶ تن انواع موادمخدر از جمله حدود ۱۷/۵ تن هروئین و ۱۲/۵ تن مرفین کشف، بیش از ۲ هزار و ۷۷۰ باند قاچاق متلاشی و بیش از ۳۱۳ کارگاه تولید شیشه را منهدم کنند. به برآورد گزارش سال ۲۰۱۵ دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، ارزش هروئین و تریاک قاچاق از افغانستان به کشورهای اروپای غربی سالانه در حدود ۲۸ میلیارد دلار است. ایران یکی از مقصدهای اصلی و راه ترانزیت برای این مواد است. مسئولان ایرانی سالانه در حدود ۳۰ درصد از ۱۵۵ تن هروئین و تریاک وارد شده به کشور را ضبط می‌کنند.

فراوانی مواد مخدر باعث ایجاد مشکل وحشتناک و گسترده اعتیاد در سراسر ایران شده است. آمار رسمی تعداد معتادان در ایران را بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر برآورد می‌کند و آمار غیر رسمی از این نیز بسیار بالاتر است. به گفته پرویز افشار سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۹ درصد معتادان زن هستند و در میان مصرف‌کنندگان مواد مخدر افراد با تحصیلات بالا کم نیستند. با افزایش جنایات‌های مربوط به مواد مخدر و تعداد فزاینده زندانیان، معضل مواد مخدر و اعتیاد، به بار سنگینی بر شانه‌های نظام عدالت کیفری ایران تبدیل شده است. ایران به علت اعمال مجازات اعدام در نبرد (ناموفق) برای پایان دادن به قاچاق مواد مخدر، مورد اعتراض و انتقاد قرار دارد. بر پایه یک برآورد تازه، ۶۵ مورد از هزار مورد اعدام‌های سال گذشته، در رابطه با جرائم مربوط به مواد مخدر بوده است. مرگ بر اثر پیش مصرفی مواد مخدر یا ابتلا به بیماری‌های عفونی از جمله ایدز/ اچ‌آی‌وی نیز در حال افزایش است.



نمودار شماره ۳- مواد مخدر و رابطه آن با سیاستگذاری و ژئوپلیتیک ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

- بیات ریزی، زهره (۱۳۹۰)، استفاده از مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری: تجارب جهانی و دل‌شوره‌های ایرانی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۶
- پرچم، اعظم و سمیه عمادی اندانی و لاله زار حاتمی (۱۳۹۴)، معناشناسی امنیت فردی در قرآن کریم، فصلنامه کتاب قیم، شماره ۱۲
- تلاشان، حسن (۱۳۸۵)، بررسی نظری آثار و نتایج بر امنیت ملی، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۵۵
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۹)، مقایسه تطبیقی برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر در چند کشور، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳
- خوش طینت، ولی اله (۱۳۹۳)، مطالعه تاریخیچه مواد مخدر و ارزیابی تأثیر پایداری به اعتقادات اسلامی در گرایش دانشجویان دانشگاه پیام نور اردبیل به مصرف مواد مخدر از طریق پیشرفت تحصیلی، فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره ۲۰
- رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۲)، بازار مصرف مواد مخدر در ایران با نگاهی ویژه به بازار تهران، فصلنامه اعتیاد پژوهی، شماره ۴
- عبادی نژاد، سید علی و امیر صفاری و حمید پناهی و محمدرضا پورغلامی (۱۳۸۹)، نقش عوارض ژنومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم؛ پاییز - شماره ۳
- عندلیب، علی‌رضا و شریف مطوف (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵)، بحثی در نظریه‌پردازی امنیت ملی (رابطه امنیت ملی و عملکرد جامعه شناختی سیاسی)، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، شماره ۲۷
- متقی، سمیرا (۱۳۹۵)، اقتصاد جرم در کشور ایران (رویکردی تحلیلی بر قاچاق مواد مخدر)، فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۶
- محمدی، حمید رضا و محمد غنجی (۱۳۸۵)، چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران پاکستان و افغانستان)، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳
- معیدفر، سعید و شهرام زمانی سبزی (۱۳۹۳)، عوامل اجتماعی مؤثر بر تداوم عدم سوء مصرف مواد مخدر در بین جوانان معتاد به مواد مخدر صنعتی و سنتی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۵
- معیدفر، سعید و شهرام زمانی سبزی (۱۳۹۳)، عوامل اجتماعی مؤثر بر تداوم عدم سوء مصرف مواد مخدر در بین جوانان معتاد به مواد مخدر صنعتی و سنتی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۵
- موسایی، میثم و سعید گرشاسبی فخر (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین بیکاری و قاچاق مواد مخدر در ایران، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۸

<http://khouzestan.blogspot.com>

Business Insider

<https://fas.org/irp>

<https://www.linkedin.com>